

حقوق شهروندی و سازمانی در نظام اداری ایران

لیلا مهربانی مجد

مقدمه

بسیاری را آفریده بود. این موجودات به دو دسته تقسیم می‌شدند: «موجودات مجرد مانند فرشتگان و جنیان و موجودات مادی مانند حیوانات و دیگر موجودات دنیای ماده. آفرینش انسان، امری عظیم بود که قرآن حتی فرشتگان را از درک آن ناتوان می‌داند. انسان موجودی مرکب از ماده و معناست. جسم خاکی او از عالم ماده و روح او که به فرموده قرآن از روح خدا نشأت گرفته، به عالم مجردات مربوط است».

واژه بشر ارتباط مفهومی و منطقی با واژه‌های دیگر دارد. از جمله: «آدم»، «انسان»، «انس»، «انسی» که در قرآن کریم به آنها اشاره شده است. ابتدا تصور می‌شود که تکرار آنها در آیات الهی مویذ تفاوت معنایی بین این واژه‌ها است و هر کدام ناظر به موجودات یا معانی متفاوتی است، اما «در حقیقت چنین نیست، یعنی بدین صورت نیست که مثال انسان به معنای والی بشر، و بشر به جنبه پست و حقیر او دلالت کند، بلکه در حقیقت انس، انسان، انسی، بشر و آدم همه به یک معنی است و اختلاف در لفظ است و به تعبیر دیگر این الفاظ مترادف هستند و معنی همه آنها یکی است.

در فرهنگ دهخدا در خصوص واژه بشر آمده است: «انسان و از آن جهت انسان را بشر گویند که دیده می‌شود و نمایان می‌باشد»؛ واژه «بشر» چون از مشتقات «بَشَره» یعنی «پوست» گرفته شده است، به این موجود «بشر» می‌گویند. واژه «بشر» زمانی به این موجود اطلاق می‌شود که قصد بیان ابعاد حیوانی و ابعاد پایی مطرح است، یعنی همان حیوان ناطق. چون بشر مانند گیاهان مو به بدن ندارد و پوست دارد از این جنبه به او بشر می‌گویند، یعنی موجودی بدون مو؛ و وقتی بخواهند این موجود را در درجات بالاتر معرفی کنند به او «انسان» می‌گویند. واژه «آدم»، در لغت به معنای گندم‌گونه و سیب‌چهره و در کتب دینی «ابوالبشر»، «ابوالانس» یعنی «پدر آدمیان» و نیز پیامبر، برگزیده خدا است. آدم از ریشه «آدم» گرفته شده است که به معنای: ۱- چیزهایی است که به غذا و نان اضافه می‌شود تا مطبوع و لذیذ شوند، ۲- اسوه و رئیس قوم یا خانواده، ۳- مشهور و معروف و ۴- باطن اشیاء است. به نظر می‌رسد هر دو واژه بیان همان مفهوم ذات خردمند و مخلوق بودن موجودی به نام آدم است، اما واژه انسان بیشتر برای درجه کمالات

همواره یکی از ضروری‌ترین نیازهای انسان وجود مجموعه قوانین مدنی بوده است که انسان را به یکی از مطلوبات خویش یعنی نظم برساند؛ نظمی که در ابتدا از بروز هرگونه ناهماهنگی، تشنج، اعمال قدرت ناروا جلوگیری می‌نماید و از همه مهمتر اینکه موجب پیشرفت جوامع خواهد شد؛ مانند وجود قوانین مدنی معاملات برای سر و سامان بخشیدن به قراردادهای حل مناقشات در روابط قراردادی مردم که در نهایت مردم با احساس وجود چنین قوانینی با کمال آرامش و آسودگی خاطر، معاملات خویش را انجام می‌دهند. یکی از مهم‌ترین تعابیری که مدتهاست به آن توجه شده و سعی شده در قوانین موجود اضافه شده و کم و کاستی‌های آن جبران گردد حقوق شهروندان در جامعه است. همچنان که تمامی قوانین و مقررات در راستای احقاق حقوق شهروندان در جامعه بوده و هدف از وضع و اجرای آن ایجاد احساس امنیت خاطر و آرامش شهروندان در جامعه است، وجود قانونی که به هر چه بهتر اجرا شدن این قوانین برای آسودگی شهروندان کمک کند احساس می‌شود. به همین دلیل سالهاست در مجامع بین‌المللی و کشورهای مدعی در زمینه حقوق بشر سعی شده در مورد آن بحث و تبادل نظر گردیده و نهایتاً منتهی به وضع قوانین مساعدتری نسبت به وضعیت سابق باشد. کنفرانس‌های متعدد سازمان ملل در این زمینه و صدور اعلامیه‌های حقوق بشر از مهم‌ترین نتایج حساسیت جوامع نسبت به این موضوع بوده است.

بشر و شهروند

بشر مفهومی است مرتبط با ماهیت وجودی انسان و تجلی‌بخش ساختار و ابعادی جسمی و روحی انسان می‌باشد. این مفهوم برای به فعلیت رساندن خصایص و ویژگی‌های موجودی به نام «آدم» در مقایسه با سایر موجودات و ذات‌های خردمندی است که خداوند متعال خلق نموده است. قبل از خلقت انسان، خداوند موجودات

اجتماعی، فرهنگی، حقوقی به کار می‌رود و متناسب با هر کدام معانی و تعابیر متفاوتی را دارد، اما در مفهوم‌پردازی این واژه تلاش می‌شود به مفهوم کلی و عامی فرای این حوزه‌ها اشاره شود.

شهروند مر کب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی و «وند» به معنای عضو وابسته به این جامعه است. «مفهوم شهروند از «شهر» ریشه می‌گیرد و «City» از واژه لاتینی لوتیاس «livitas» مشتق شده است. لوتیاس معادل واژه پلیس «Polites» یا «Polis» در زبان و فرهنگ یونانی است؛ بنابراین، شهر تنها مجمعی از ساکنین یک منطقه معین نیست؛ بلکه مفهوم واحد سیاسی مستقلی را می‌رساند. از همین جا تفاوت عمیق دو مفهوم شهروند و رعیت آشکار می‌شود. در حالی که شهروندان به همان میزان که در شهر حضور فیزیکی دارند، حضور سیاسی نیز دارند، اما رعایا فقط حضور فیزیکی دارند. رعیت فقط از قانون و اراده حاکم اطاعت می‌کند، اما شهروند در تنظیم قانون و خلق اراده حاکم سهم‌خواهی می‌کند و سپس از آن اطاعت می‌کند؛ زیرا اطاعت از آن را به سود خود می‌داند. مفاهیم، اصول و نهادهای مربوط به شهروندی طی قرون متمادی گسترش یافته و دارای پیشینه طولانی است. پیشینه مفهوم شهروندی به دولت-شهرهای یونان باستان بازمی‌گردد.

شهروندی و دولت-شهر یکسان بودند و تعهدات شهروندی در همه جنبه‌های زندگی جاری و ساری بود. اما خاستگاه مفهوم شهروند به خلق رابطه دولت و افراد در یک جامعه سیاسی و زیست‌جمعی بازمی‌گردد. از زمانی که بشر تصمیم گرفته که از حال بدوی و اولیه خارج شود و در حالت جمعی تحت لوای قانون و قدرت سیاسی زندگی کند، مفهوم شهروند موضوعیت یافته است. بر این اساس، «شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی، برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف‌هایی به عهده دارد، این رابطه را شهروندی گویند. چگونگی رابطه شهروندی را قانون اساسی و قانون مدنی کشور معین می‌کنند. در واقع، اصطلاح شهروند در تقابل با دولت معنی می‌یابد و بدون وجود دولت، از شهروندی بحثی مطرح نمی‌شود.

شهروندی خاص افراد انسانی است. شهروندی را با اقامت دائمی و شهروند را با مقیم نباید اشتباه کرد. کسی چه بسا شهروند کشوری می‌باشد، بی‌آنکه در آن کشور اقامت داشته یا مقیم کشوری باشد، بی‌آنکه مقیم کشوری باشد. پس انسان‌های ساکن و مقیم در یک کشور، اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت-کشور و تحت حاکمیت آن هستند، شهروند خوانده می‌شوند. شهروندی در جامعه سیاسی رشد می‌کند و مفهومی است که با نظم عمومی و حقوق انسانی پیوند خورده است. اما در جامعه‌ای مردم‌سالار می‌تواند رشد کند؛ چرا که شهروند انسانی فعال و مشارکت‌جو و در همسویی با سایرین زندگی می‌کند و خواسته‌های مشروع و

آدم و جنبه تکامل یافته بشر به کار می‌رود. انسان از ریشه «نسیان» به معنای فراموشی است. انسان مصدر «انس» و «انس» و به معنای رام بودن و خو گرفتن و الفت و ملاطفت داشتن و ضد توحش است. انسان از ماده «انس»، اسم جنس است. وجه نام‌گذاری انسان به خاطر زیادی انس او، و به جهت آن است که آفرینش او به گونه‌ای است که قوام زندگی او با انس با انسان‌های دیگر است. از این رو، انسان مدنی بالطبع می‌باشد.

در مجموع، بشر واژه‌ای برای تبیین ابعاد جسمی و روحی آدم و انسان است و اشاره به موجودی دارد که توسط خداوند با صفات و ویژگی‌های الهی خلق شده و دارای کرامت و ارزش والی الهی است و در واقع، پرتوی از خداوند متعال می‌باشد. خداوند در قرآن فرموده است: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»؛ یعنی «از روح خود در آدم دمیدم»، البته مقصود این نیست که خداوند تکه‌ای از وجود خود را در وجود آدم قرار داده؛ لذا خداوند از روحی که خود خلق کرده و مالک آن بوده در آدم دمیده و از آن جهت که خالق و مالکش بوده و آن را از میان سایر ارواح برگزیده دربارهاش فرموده: «روح من». از این منظر بشر موجودی الهی و مقدس است و «دارای دو بُعد وجودی؛ ترکیبی از روح ملکوتی و الهی، و جسمی طبیعی و مادی که دارای تطورهایی در مسیر آفرینش خود می‌باشد. از ویژگی‌های منحصر به فرد این مخلوق، غیر از دو بُعدی بودن وجود او، داشتن فطرت الهی و وجود قدرت، اختیار می‌باشد». لذا برای تکامل و سعادت خود نیاز به احترام و داشتن حقوق و تکالیفی است که در جامعه بشری با توسل به زندگی اجتماعی و اجرای دستورات الهی به کمال بشری و فلسفه زندگی دست می‌یابد و در این راستا، مستحق ارزشمندی و حق‌های انسانی است.

انسان از آن جهت که دارای زیست فردی و جمعی است، ملزم به رعایت حق‌های فردی و اجتماعی خود و دیگران می‌باشد، اما رعایت و تضمین نظم، عدالت و صلح در جامعه ایجاب می‌نماید انسان در زندگی اجتماعی تابع نظامی از حقوق و تکالیف در پرتو قوانینی کارآمد باشد. طبعاً صیانت از حیات بشری مستلزم وجود سازوکارهای مؤثر در قالب جامعه سیاسی، زمامداری و حکمرانی مطلوبی است. در واقع، رابطه‌ای دوسویه با وصف حق‌محوری و تکلیف‌مداری بین دولت و انسان در قالب مفهوم «شهروندی» در جامعه سیاسی باید برقرار شود تا دولت و شهروندان در تعامل طرفینی حقوق و تکالیف، نسبت به یکدیگر قرار گیرند و موجبات زیست جمعی در کمال صلح، امنیت و عدالت فراهم شود و انسان بتواند با تأمین حقوق انسانی، خود را به کمال و سعادت بشری برساند. از این منظر، مفهوم حقوق شهروندی و شهروند واجد اهمیت و واکاوی می‌شود.

مفهوم شهروند و شهروندی در حوزه‌های مختلف فلسفی، سیاسی،

هستند، حتی اگر این موضوع همیشه به وسیله افراد درک نشود. این بدان معناست که حقوق و مسئولیت‌های شهروندی منطقاً به‌طور نزدیکی با هم مرتبط هستند. حقوق بر مسئولیت‌ها دلالت دارند، چرا که حقوق در خلاء وجود ندارند. برای اینکه حقوق مؤثر باشند دیگران باید حقوق ما را به رسمیت شناخته و محترم بدانند و ما نیز مسئولیم که متقابلاً به حقوق آنها احترام بگذاریم. در دولت-ملت‌های دموکراتیک مدرن، نقش شهروند، ایجاد مدل اصلی شهروندی یعنی تعلق به یک کشور خاص است. در مجموع، شهروندی در جامعه‌ای قانون‌مدار و مردم‌سالار هویت می‌یابد و همه افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، به‌طور برابر با هم انگاشته می‌شوند و از حقوق و تکالیفی در برابر هم برخوردارند و دولت در تأمین حقوق همه افراد مسئولیت دارد (خسروی، ۱۳۹۸: ص ۱۴-۱۰).

▶ حق و حقوق

حق واژه‌ای است که محور مطالعه شاخه‌های مختلف علوم انسانی قرار می‌گیرد. حق، اساس و پایه حیات فردی و اجتماعی هر فردی است که در نظام سیاسی و حقوقی، موجبات ثبات و امنیت انسانی شهروندان را فراهم می‌نماید و آنها را در برابر خودسری‌های و تجاوزات مصون نگه می‌دارد.

انسان به دلیل برخورداری از کرامت ذاتی از حق‌های بنیادی بهره‌مند می‌باشد. از این‌رو، حق‌های بشری امروزه مبتنی یا ناشی از کرامت انسانی است و انسان‌ها به آن دلیل صاحب حق می‌شوند که دارای کرامت ذاتی می‌باشند. کرامت ذاتی یعنی، انسان «غایت» است و این غایت بودن در خویشتن از نظر کانت «ارزش» است. براساس چنین ارزشی، انسان نباید وسیله و ابزار اهداف و منافع دیگران واقع شود و دیگران مکلف به رعایت حرمت و شرافت وی هستند. همچنین انسان با دیگران دارای برابری ارزشی است. برابری ارزشی ناشی از کرامت ذاتی و «ممنوعیت ابزار قرار دادن انسان» منتج می‌شود.

حال باید دید حق چیست و چه ماهیتی دارد؟ «واژه حق به معنای نقیض باطل، خلاف باطل و ضدباطل آمده و در عین حال برای آن معنای وجوب، ثبوت امر یقینی و بدون شکست و تصدیق نیز گفته شده است». لغت‌نامه دهخدا معانی متعددی برای این واژه ذکر می‌کند که مهم‌ترین آنها از این قرار است: راست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین نمودن، ثابت شدن، غلبه کردن به حق، موجود ثابت و نامی از اسامی خداوند متعال و فرهنگ المنجد نیز برای واژه «حق» چند کاربرد و معنا ذکر می‌کند که برخی از آن به

پذیرفته‌شده فردی و جمعی خود را می‌شناسد، از آن دفاع می‌کند و برای مطالبه آن می‌کوشد. امروزه «شهروند، هویتی جهانی پیدا کرده است».

نظام شهروندی به معنای واقعی آن، برخورداری عمومی اعضای جامعه از حقوق و تکالیف برابر است. به‌گونه‌ای که هیچ تبعیضی از لحاظ سیاسی، اجتماعی و حقوق مدنی میان افراد جامعه وجود نداشته باشد. در باب مسئولیت شهروندان اسلامی، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کلکم راع، و کلکم مسؤول عن رعیتة» یعنی هر کدام از شما مسئول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند بازخواست خواهید شد. در همین زمینه در اسلام هر جا صحبت از رعیت شده، منظور همان حقوق شهروندی امروزی است».

مفهوم شهروندی که ناظر بر حق‌مداری انسان مدرن می‌باشد، ایده‌ای است که در اروپای غربی زاده شد و در عصر جدید هم‌زمان با فراگیر شدنش، انتشار یافت. قبول حقوق و وظایف قانونی و سیاسی ناشی از جایگاه شهروندی بنیاد اصلی و ایده اساسی این مفهوم است. مقوله شهروندی به ضرورت، حاصل سیاست مدرن و پیامد اجتماعی-سیاسی انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی است. به این معنی، شهروندی تمامی دگرگونی‌های حاصل از تبدیل جامعه سنتی به جامعه صنعتی را دربرمی‌گیرد. در جهان معاصر موضوع شهروندی از جذابیت بسیار زیادی در سایر جوامع برخوردار شده است و به‌تدریج در قرون ۱۸ و ۱۹ با توسعه تفکر لیبرالی و مدرن، پایه‌های شکل‌گیری حقوق شهروندی گسترش یافت.

مارشال، شهروندی را این‌گونه تعریف می‌کند: «شهروند وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل یک فرد در اجتماع سیاسی است و کسانی که در این وضعیت قرار می‌گیرند، حقوق و وظایف یکسان و برابری دارند». آنچه در این تعریف مهم است، حقوق یکسان و برابری همه افراد در آن موقعیت است. پس، شهروندی رابطه‌ای است دوسویه مابین فرد و دولت و بیانگر حقوق و وظایف متقابلی است که هر کدام از طرفین نسبت به هم مقید و ملزم خواهند شد. لذا شهروند فردی است که برای مشارکت در اداره عمومی و جامعه و در چارچوب قوانین کشور، شرایط الزام را دارد.

عینیت بخشیدن به مفهوم شهروندی مستلزم ایجاد زمینه‌هایی است. این زمینه‌ها عبارت است از: وجود جامعه مدنی، نظام سیاسی یا دموکراتیک، حکومت قانون و فرهنگ سیاسی مدنی. این عناصر و زمینه‌ها اگرچه در تحلیل از یکدیگر تفکیک می‌شوند، اما در نهایت تمامی آنها وجوه مختلف یک مفهوم واحد یعنی شهروندی‌اند. در واقع، ارکان متشکله شهروندی عبارت است از: «حقوق، تکالیف، مشارکت و هویت». روابط میان جامعه سیاسی و شهروندان و نیز روابط میان خود شهروندان، روابطی متقابل و وابسته به یکدیگر

حقوقی و سیر تحول و زندگی آن می‌پردازد». در این علم تلاش می‌شود تا بهترین قواعد و نظامات حاکم بر روابط اجتماعی کشف و مقرر شوند، به جهت اینکه جامعه در مسیر نظم، صلح، امنیت، عدالت و حق محوری قرار گیرد. وظیفه حقوقدان این است تا با مطالعه و تحقیق در زندگی اجتماعی، فلسفه خلقت، انسان‌شناسی، فطرت و ماهیت انسان و شناخت ابعاد وجودی و نیازهای انسانی، هنجارها و ارزش‌های غایی و عینی موجود در جامعه را کشف و نهادینه و سپس آنها را در قالب نظام حقوقی و حق‌ها سازماندهی نماید. به بیانی دیگر، «بایدها و نبایدها، الزامات و هست‌های در جامعه را شناسایی و به صورت قوانین و مقررات، حاکم بر روابط اجتماعی نماید».

در نظام حقوقی اسلام، در مقام وضع قواعد حقوقی، به دلیل وحیانی بودن آنها، به سایر علوم نیاز چندانی نیست و بیشتر در عرصه مقررات ثانوی، احکام حکومتی، در مراحل دادرسی و اجرا از این علوم استفاده می‌گردد. در این نظام، حقوق اینگونه تعریف می‌شود: «مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تأمین سازد».

واژه و مفهوم «حقوق»، با مفهوم «قانون» نباید یکی انگاشته شود. قانون به معنای باید، الزام، دستوری، اجبار و حکمی است که برای افراد لازم‌الرعایه است و از سوی دولت وضع و با سازوکارهای اجرایی تضمین شده است و در صورت نقض آن الزامات، جبران خسارت یا مجازاتی را برای افراد به همراه دارد. در حالی که حقوق، دانش و علمی است که محتوای آن قوانین الزامی را تأمین می‌نماید و به‌طور عام، مجموعه‌ای از قواعد و مقررات الزامی است.

در یک تقسیم‌بندی کلی از علم حقوق، از نگرش دولت و فرد، به دو شاخه اصلی حقوق عمومی و حقوق خصوصی و از نگرش مرز حاکمیت‌ها و دولت‌ها، به دو شاخه حقوق ملی یا داخلی و حقوق بین‌الملل یا خارجی قابل دسته‌بندی می‌باشد. در تعریف حقوق عمومی می‌توان گفت که مرتبط با نظامات حاکم بر روابط دولت و شهروندان می‌باشد، به نوعی که انتظام بخش قدرت سیاسی و مجموعه حق‌های شهروندان در جامعه است. در بیانی ساده، «قواعدی مربوط به حقوق عمومی است که روابط میان دولت‌ها یا روابط میان افراد و جوامعی را که دربرگیرنده افرادند تنظیم می‌کنند». در عمل، حقوق عمومی «روابط اجتماعی مربوط به اقتدار و اجبار را تنظیم می‌کند». حقوق خصوصی تنظیم بخش روابط شهروندان با یکدیگر می‌باشد. به بیان دیگر، «قواعد حاکم بر روابط افراد است». محور قواعد حقوق خصوصی، اراده و رضایت اشخاص می‌باشد و هدف اصلی آنها حمایت و تضمین منافع اشخاص در اجتماع است. حقوق داخلی یا ملی «مجموع قواعدی است که بر دولت معین

این قرار است: ضد باطل، عدل، مال و ملک، حظ و نصیب، موجود ثابت، امر مقضی، حزم، سزاوار. «حق» واژه‌ای عربی است که به معنای «ثبوت» و «تحقق» است و وقتی می‌گوییم: چیزی تحقق دارد، یعنی ثبوت دارد و گاه معادل آن در زبان فارسی «هستی پایدار» به کار برده می‌شود؛ یعنی هر چیزی که از ثبات و پایداری بهره‌مند باشد، حق است.

در اصطلاح، تعاریف مختلفی از حق شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. حق اختیاری است که قانون برای فرد شناخته شده است که بتواند عملی را انجام دهد و یا آن را ترک کند. حق، امتیازی است که فرد از آن برخوردار است و از این امتیاز در زبان حقوقی به «سلطه و اختیار» تعبیر می‌شود. در تعریف دیگر آمده است: «حق قدرتی است که متکی به قانون که دارنده آن می‌تواند با استعانت از قانون دیگری را به انجام عمل وادار یا او را از انجام عملی مانع شود». اما از منظر فلسفی و ارزشی «در تحلیل مفهوم حق، تفکیک بین دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» به نظر ضروری است. «حق بودن» را با فعل ربطی بودن (to be right) و «حق داشتن» را با فعل (to have right) به کار می‌بریم». حق به معنای اول که در مقابل باطل قرار می‌گیرد، همیشه در عرصه فکری به‌ویژه سیاسی و اخلاقی حضور داشته است، اما حق به معنای دوم که می‌تواند در مقابل تکلیف قرار گیرد، محصول فکری جدیدی است که در پی کوشش‌های نظری و عملی آزادی‌خواهانه و برابری‌خواهانه انسان در دوران مدرن تولد یافته است. در واقع، «حق بودن» به معنای ارزشی، همان «خوب بودن» است. بدین معنا که اگر عملی «حق» است، یعنی از منظر اخلاقی و براساس اصول محتوایی یک نظام اخلاقی خاصی، مورد تأیید و قبول می‌باشد، اما مفهوم «حق داشتن» ضرورتاً به معنای انجام عملی خوب و اخلاقی نیست، بلکه دربردارنده این مفهوم است که فرد توانایی اتخاذ تصمیم و گزینش از میان شقوق مختلف را داشته باشد، صرف‌نظر از محتوای تصمیم چه خوب باشد چه بد.

از آنچه گفته شد در نظام حقوقی، حق، فی‌النبسه اصالت ندارد، بلکه یک تأسیس و ابزاری است در جهت حمایت و صیانت از کرامت ذاتی انسان از طریق نظام حقوقی. لذا «حق یک ادعای تضمین شده است». یعنی ادعای به انسان بودن و حرمت داشتن که از طریق نظام حق به کمال و خودشکوفایی می‌رسد. مفاهیم جدیدی از حق در فلسفه حقوق و اخلاق امروزی به‌ویژه توسط «دورکین و هوفلد» مطرح شده است.

مفهوم حق با اصطلاح «حقوق» گره خورده است. حقوق در نگرش اولیه، جمع «حق» است و گویای مجموعه‌ای از قواعد و مقررات حاکم در یک جامعه قانونمند برای تضمین حق‌های انسانی است. اما در نگرش کلی، علم حقوق «یعنی دانشی که به تحلیل قواعد

و ثروت‌های ملی و آثار تاریخی و آفریده‌های فرهنگی، احترام به حقوق و منافع دیگران، اهتمام در تربیت فرزندان مفید برای جامعه و انجام خدمت نظام وظیفه.

مشارکت در امور شهری به مثابه حق و تکلیف شهروندی است. در تعامل شهروندان با یکدیگر از یکسو و در ارتباط متقابل شهروندان و مسئولان سازمان‌های شهری به‌عنوان نمایندگان خرده نظام سیاسی از سوی دیگر هر پدیده‌ی مشارکتی می‌تواند به‌عنوان حق شهروندی یا وظیفه‌ی شهروندی تعریف شود. به‌عنوان مثال، مشارکت شهروندان در نقد و بررسی طرح جامع شهری می‌تواند از طرف شهروندان به‌عنوان نوعی حق شهروندی تعریف شود و یا اطلاع‌رسانی دقیق و کامل مسئولان از اجزای طرح جامع شهری را می‌توان نوعی حقوق شهروندی دانست که شهروندان با حساسیت نسبت به سرنوشت شهری در آن زندگی می‌کنند (فغان‌نژاد و نوری، ۱۳۹۱، ص. ۷۰).

توسعه رفاه اجتماعی شهروندی

حق رفاه یکی از ابعاد مهم زندگی پیشرفته اجتماعی امروزی است. در اندیشه دولت رفاه، حکومت ملزم به تامین و تضمین حقوق شهروندی در امور رفاهی و امنیت اجتماعی است. حق رفاه شامل مصادیقی نظیر: تامین اجتماعی، امنیت اجتماعی، بهداشت و آموزش همگانی است. در نظریه شهروندی مارشال به نقش دولت رفاه که تامین‌کننده این حقوق است، تأکید دارد. مارشال معتقد بود که حقوق اجتماعی در قرن بیستم در شکل مدرن خود با ایجاد نهادهای دولت رفاه، شامل آموزش همگانی و خدمات بهداشتی و اجتماعی توسعه یافتند و مارشال عنصر اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مراد من از عنصر اجتماعی عبارت است از طیف وسیعی از حقوق که برخورداران حداقلی از رفاه اقتصادی و امنیت تا حق برخورداران کامل از میراث اجتماعی و حق زندگی به‌عنوان یک موجود متمدن، معیارهای حاکم در یک جامعه را در بر می‌گیرد». به جهت متنوع بودن نیازهای مختلف انسان در وضعیت فردی و اجتماعی باید از امور رفاهی که لازمه رشد جسمانی و فکری فرد است، برخوردار باشد. «حق داشتن حداقل وسایل و امکانات در زندگی، نخستین حق از حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و مبنای حقوق اخیر است. این حق در معنای اخص شامل حق تغذیه، آب و پوشاک می‌باشد. آزادی از فقر، گرسنگی، سوءتغذیه و برهنگی با داشتن این حق ممکن است». حق‌های عمده‌ای که زیرمجموعه این حق قرار می‌گیرند عبارت است از: حق خوراک، پوشاک، بهداشت، مسکن، تشکیل خانواده، تامین اجتماعی کارآمد،

حکومت می‌کند، و در آن از روابطی گفتگو می‌شود که هیچ عامل خارجی در آنها نیست». یعنی صرفاً در خصوص قواعد و نظامات حاکم در یک جامعه و کشور خاص بحث می‌نماید. حقوق خارجی یا بین‌المللی نیز «قواعدی است که روابط بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و روابط اتباع دولت‌ها را با هم تنظیم می‌کند». در واقع، مسائل و موضوعات مرتبط با دولت‌ها با یکدیگر و سازمان‌های بین‌المللی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

آنچه از مفهوم «حقوق» در حوزه حقوق شهروندی مستفاد می‌شود، هم دانش و علم حقوق است که بنیادهای نظری و فکری اصول و قواعد کلی حقوق شهروندی را پایه‌ریزی و موجه‌سازی می‌نماید و هم مجموعه‌ای از حق‌ها که شهروندان به موجب اسناد و متون قانونی در اجتماع از آنها برخوردار هستند و دولت و نهادهای عمومی و متولی، مسئول تأمین و تضمین آن حقوق می‌باشند و هم نظام حقوقی حاکم بر حقوق شهروندی در کشوری خاص که مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، رویه‌ها، ساختارها و سازمان‌ها می‌باشد، را شامل می‌شود (همان منبع، ص. ۱۷-۱۴).

حق و تکلیف شهروندی

در حال حاضر بر سر این موضوع که شهروندی پدیده‌ای دوسویه است که در یک سوی آن حقوق و در سوی دیگر تکالیف قرار دارند و بین این دو رابطه‌ای متقابل وجود دارد، توافق نظر وجود دارد. نباید فراموش کرد همان‌طور که فرد در برابر اجتماع و حکومت از حقوقی بهره‌مند است، در مقابل تکالیفی نیز به عهده دارد که باید انجام دهد و این عمل یک طرفه‌ای نیست و چون فرد از مزایای اجتماعی بهره‌مند می‌شود لازم است در مقابل، تکالیف محوله را در قبال جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند اجرا نماید و در ایجاد یک جامعه‌ی سالم و مرفه و خوشبخت، خود را سهیم بداند.

اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروندی، مورخ ۱۷۹۳ فرانسه، ضمن اعلام حقوق بشر و شهروندی، تکالیف او را نیز به‌طور مشروح بیان می‌کند. این تکالیف بیشتر جنبه‌ی اخلاقی- اجتماعی داشته تا تکالیف حقوقی که در هر حال باید الهام بخش قانون‌گذار عادی باشد.

قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی، مورخ ۱۹۷۷ ضمن تأکید بر اینکه، تامین حقوق و آزادی‌های شهروندان از وظایف آنان تفکیک‌ناپذیر است، وظایف و تکالیف شهروندی را به تفصیل بیان می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارت است از: دفاع از میهن، احترام به نظم عمومی، رعایت قوانین و نظامات کشور، احترام به شئون ملی، داشتن وجدان کاری و رعایت انضباط، مراقبت در حفظ اموال عمومی و خودداری از تضييع آن، مراقبت در حفظ محیط‌زیست

است از «مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست» حمایت نماید و تغذیه سالم در دوران بارداری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان، مرخصی زایمان و درمان بیماری‌های شایع زنان را فراهم نماید (ماده ۸۹).

براساس ماده ۹۱ منشور، هر شهروند از محیط زندگی عاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی از جمله مواد مخدر و روان‌گردان برخوردار است. گروه‌های آسیب‌پذیر و مددجویان از اقدامات مؤثر دولت در زمینه توانمندسازی، امید به زندگی و اعمال سیاست‌های تأمینی برخوردار می‌شوند (خسروی، ۱۳۹۸، ص: ۱۲۱-۱۱۹).

آموزش و فرهنگ‌سازی شهروندی

شاید ریشه اکثر ظلم‌ها، ستم‌ها و نقض حق‌ها ناشی از جهالت و عدم آگاهی شهروندان از حق‌ها و امتیازات خود در جامعه است و همواره کسانی هستند که از این دنیای بی‌خبری سوءاستفاده نموده و به راحتی با شیوه‌های متقلبانه حق‌های شهروندان را تضییع می‌نمایند. از طرف دیگر، داشتن جامعه زنده و پویا و ساماندهی شده، نیازمند شهروندی فعال و اخلاق‌مدار و قانون‌مدار است و چنین شهروندی مستلزم داشتن دانش و آگاهی کامل از مقتضیات زندگی جمعی و قوانین و مقررات عرفی و حقوقی حاکم بر آن است. البته هر شهروندی باید بتواند از حقوق عامه و حق‌های مربوط به کسب و کار خود مطلع باشد تا در زمینه احیاء و تضمین آنها فعال و مطالبه‌گر بوده و تأمین و توسعه آنها را مقامات مسئول بخواهد.

آموزش در سطح جامعه، شهروندان را به ابزار دانش و درک مهارت‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌ها مجهز ساخته و آنها را قادر می‌سازد تا مشارکتی فعالانه و معقول در سطح جامعه به عهده گیرند. همچنین دانش و آگاهی‌های مردم موجب مشارکت بیشتر آنها برای ادای تکالیف در امور شهری و توسعه شهروندی فعال می‌شود. لازم به ذکر است که حقوق شهروندی در معرض خطر و آسیب قرار دارد و نیاز به پوشش‌های حمایتی و صیانتی دارد. آسیب‌ها و خطرات می‌تواند از طرف «دولت و نهادهای دولتی، گروه‌ها و جمعیت‌های درون اجتماعی و سایر افراد» اتفاق بیافتد.

برای دفع خطرات، شهروند باید مسلح به آموزش‌های شهروندی در زمینه‌های متعدد شود، لذا جهت تقویت و ارتقای حقوق شهروند باید سازوکارهای آموزشی و علمی و آگاهی‌بخش به‌طور سازمان یافته و نهادین شده به شهروند در کلیه صحنه‌های اجتماعی داده شود. وظیفه اطلاع‌رسانی و دانش‌افزایی شهروندان وظیفه‌ای است همگانی و هر نهاد دولتی در حوزه صلاحیت خود باید درباره نوع و ماهیت خدمت‌رسانی خود و چگونگی بهره‌مندی شهروندان از آن

استراحت، اوقات فراغت و غیره. اسلام در زمینه تأمین و رفاه اجتماعی دستورات و تأکیدات زیادی داشته است، به گونه‌ای که رفاه عمومی مسلمین و رفع هرگونه فقر و محرومیت را از وظایف حاکم اسلامی دانسته است. در این راستا، احکامی نیز مقرر نموده است. این اصول بر مبنای مسئولیت متقابل افراد و سهیم بودن آنها بر درآمدهای عمومی شکل گرفته است. قرآن کریم بر این اصول به شیوه‌های متعددی نظیر انفاق، بخشش، صدقه، احسان، خمس، زکات و... تأکید نموده است. «در راه خدا انفاق کنید و خویشتن را به دست خویش به هلاکت نیندازید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد».

بند (۱) ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر در خصوص حق رفاه اجتماعی مقرر می‌دارد: «هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در زمان‌های بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوه‌گی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد».

در منشور حقوق شهروندی فصلی به حق رفاه اجتماعی اختصاص یافته است. در این منشور به حق‌هایی از شهروندان اشاره می‌نماید که موجبات توسعه و ارتقای حقوق شهروندی را فراهم می‌نماید. «آرامش، شادابی و امید به آینده‌های بهتر، خودسازی معنوی و توان‌افزایی اجتماعی، برخورداری از زندگی امن و آرام، داشتن فرصت و امکان برای همراهی بیشتر با خانواده، تفریح، ورزش و گردشگری حق هر شهروند است» (ماده ۸۵). بر این اساس، هر شهروند از رفاه عمومی و تأمین اجتماعی و خدمات امدادی بهره‌مند می‌شود (ماده ۸۶) و در موارد بیکاری ناخواسته و نداشتن شغل از حق بیمه بیکاری دولتی برخوردار می‌شود. بیمه در ابعاد گسترده و متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی هر شهروند در سطح شهری، روستایی و عشایری، حقوق توسعه روستایی، تأمین اجتماعی و ایمن‌سازی محیط زندگی باید توسط دولت تضمین شود. یکی از مصادیق رفاه اجتماعی، تضمین و توسعه حقوق زنان براساس ماده ۸۸ منشور حقوق شهروندی و بند (۱) اصل ۲۱ قانون اساسی است و دولت مکلف به «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او» است. دسترسی زنان به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، در جهت حفظ فرهنگ اسلامی- ایرانی در عرصه‌های ورزشی ملی و جهانی می‌تواند زمینه ارتقاء حقوق شهروندی نسبت به زنان و در نهایت سالم‌سازی خانواده را فراهم نماید. همچنین مطابق بند دوم اصل ۲۱ قانون اساسی در مسیر توسعه حقوق شهروندی، دولت مکلف

ایده حقوق شهروندی

«شهروندی» (citizenship) مفهوم جذابی است و عموم مردم در جامعه مدرن از آن بهره می‌برند. گروه‌های فکری و سیاسی نیز همواره تلاش دارند از زبان شهروندی برای حمایت از سیاست‌های خود بهره‌برداری کنند.»

لیبرال‌های اروپایی بدین دلیل «شهروندی» را ارزشمند می‌دانند که با اعطای حقوق، فضای لازم را به فرد می‌دهد تا فارغ از هرگونه دخالت، منافع خود را دنبال کند و در وجه اساسی نیز در شکل دادن به نهادهای حکومتی عمومی دستی داشته باشند. بنابراین «شهروندی» به عنوان یک ایده از جذابیت زیادی برخوردار است. از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، متفکران اروپایی جناح چپ شهروندی را به عنوان یک ایده بالقوه رادیکال پذیرفتند. در حالی که در گذشته نگرش کلی پیروان تفکران چپ و مارکیستی در مورد شهروندی با سوءظن همراه بود. آن‌ها شهروندی را نه راه‌حل برای بی‌عدالتی‌های سرمایه‌داری بلکه بخشی از خود مشکل به حساب می‌آوردند. در واقع در نظر آنها «حقوق شهروندی» به یک منطق سرمایه‌داران آغشته شده است. شکست کمونیسم کاهش ساماندهی طبقاتی و فهم این مطلب که در جوامع ناهمگون و گوناگون، نمی‌توان همه بی‌عدالتی‌ها را به اقتصاد نسبت داد، باعث شد تا بسیاری از سوسیالیست‌ها در انکار مفهوم شهروندی و تبع آن «حقوق شهروندی» تجدید نظر کنند.

هر چند این اتفاق نظر دارد که شهروندی چیز بسیار مطلوبی است اما در این مورد توافق بسیار اندکی وجود دارد که موقعیت شهروندی باید متضمن چه چیزی باشد. چه نوع جامعه‌ای به بهترین وجهی شهروندی و به تبع آن حقوق شهروندی را ارتقاء می‌بخشد. در فقدان یک ایده واحد از دامنه مفهوم حقوق شهروندی، جوامع بشری در سیر تحولی خودناگزیر شده‌اند حداقل حقوق را به عنوان کف مطالبات حق شهروندی بپذیرند و هر جامعه‌ای به اقتضای خود تلاش کند تا این مطالب را هرچه بیشتر و با گسترش کمی و کیفی به نقطه مطلوب برساند.

تعریف حقوق شهروندی

حقوق شهروندی، مجموعه حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن؛ بنابراین واژه مذکور از حقوق سیاسی است. در کشور ما مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق شهروندی

خدمات، آموزش‌های لازم را از طرق مختلف به شهروندان ارائه نماید و به طور عمومی سازمان‌هایی مثل صدا و سیما، شهرداری‌ها، مساجد و نهادهای مذهبی، نهادهای آموزشی، رسانه‌های گروهی، مطبوعات، احزاب سیاسی، نهادهای مدنی و غیره کلیه آموزش‌های مدنی و سبک و سیاق زندگی اجتماعی را ارائه نمایند تا هر شهروندی در زندگی خصوصی، اجتماعی و فضای کسب و کار خود از دانش و مهارت‌های لازم برخوردار باشد.

مسلح شدن به دانش و مهارت‌های اجتماعی و حرفه‌ای زمینه ارتکاب جرایم را کاهش داده و شهروندان مطالبه‌گری پرورش داده می‌شود و باعث انجام درست وظایف نهادهای عمومی نیز می‌شود. هر چقدر شهروند، دانش، اطلاعات و مهارت کافی در حوزه عمومی و خصوصی داشته باشد، بهتر می‌تواند رفتار خود با دیگران را تنظیم نماید و به رشد و ارتقای حقوق خود و دیگران کمک نماید. به‌طور مثال اگر هر شهروند از دانش و اطلاعات کافی در زمینه نحوه خرید و فروش زمین، مسکن، خودرو، دریافت وام بانکی، اخذ مجوز از اتحادیه و نهادهای دولتی و غیردولتی داشته باشد، دیگر دچار فریب و زیان نخواهد شد. پس، سازمان‌ها و نهادهای عمومی و خصوصی می‌توانند نحوه تأمین و اجرای حق‌های شهروندی را با شیوه‌ای صحیح آموزش دهند و در صیانت از حقوق شهروندی دست به اقدامات پیشگیرانه بزنند.

تمدن و دستاوردهای فکری و فرهنگی یک ملت در طول قرن‌ها و با تلاش نسل‌های زیادی به دست آمده است و حاوی ارزش‌ها، هنجارها، سنت‌ها، عقاید، باورها، مهارت‌ها، اخلاقیات، ابداعات و اختراعات متنوعی است، حفظ و صیانت از این دستاوردهای بشری و ملی وظیفه هر شهروندی و هر نسلی است و باید با رویکرد ارتقای، آنها را به آیندگان تحویل دهد. لذا حفظ این تمدن غنی، مستلزم نهادینه‌سازی فرهنگ، نگهداری و انتقال آن به آیندگان است. یکی از ابعاد اساسی ارتقای حقوق شهروندی صیانت از دستاوردهای فرهنگی جامعه است که در پرتو آموزش فرایندها و سازوکارهای آموزشی، پرورشی و تربیتی امکان‌پذیر است. بر این اساس، رعایت همه‌جانبه حقوق شهروندی، مستلزم نهادینه‌سازی فرهنگ شهروندی در یک جامعه، میان مردم و مسئولان است. با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند هنر و رسانه می‌توان به تقویت فرهنگ مطالبه‌گری به مثابه انگاره بنیادین شهروندی در جامعه پرداخت، مطالبه‌گری و مسئولیت‌پذیری دو مفهومی است که باید در میان انسانها نهادینه شود تا آنها به شهروند تبدیل شوند، در این میان، ابزارهای فرهنگی و هنری نقشی مؤثری ایفاء می‌کنند. شکل‌گیری کانون‌های گفتگو در قالب مراکز علمی، همایش‌ها، سمینارها و مناظرات یکی از جدی‌ترین راهکارهای اعتلای جایگاه حقوق شهروندی در جامعه است (همان منبع، ص. ۱۱۲-۱۱۰).

تأسیسات ساختاری و نهادی در حوزه حقوق شهروندی نقش مؤثر و کارآمدی در نهادینه‌سازی و فعلیت آموزه‌ها و ارزش‌های حقوق شهروندی دارد. لذا این وظیفه دولت و نهادهای غیردولتی است تا با تأسیس و ایجاد ساختارهای مناسب و تأمین اقتضائات و منابع و امکانات لازم، آرمان‌های حقوق شهروندی را محقق نمایند. در این ارتباط، سازوکارهای حمایتی و صیانتی و تدابیر قضایی و بازرسی و نظارتی، موجبات احیاء و تضمین حقوق شهروندی را فراهم می‌نماید (همان منبع، ص: ۵۸-۵۷).

انواع حقوق شهروندی

۱. حقوق مدنی و سیاسی

مجموعه‌ای از حق‌ها که انسان در حوزه فردی به طور طبیعی از آن‌ها برخوردار بوده و آزادی‌هایی که در حوزه اجتماعی و سیاسی معنی پیدا می‌کنند.

۲. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

انسان علاوه بر نیازهای فردی، درگیر نیازهای جمعی و اجتماعی نیز می‌باشد. تلازم این دو نیاز است که به زندگی معنا و مفهوم واقعی می‌دهد و در سایه آنها انسان می‌تواند در مسیر رشد و تکامل بشری گام‌های محکم‌تری بردارد.

۳. حقوق قضایی

مجموعه‌ای از حق‌ها که در نظام رسیدگی به دعاوی در مراجع قضایی موضوعیت دارند و به نوعی در راستای تحقق دادرسی منصفانه و صیانت از حقوق طرفین دعوی در نظام حقوق اساسی تضمین می‌شوند (همان منبع، ص: ۵۳-۴۰).

مبانی نظری حقوق شهروندی

اصطلاح حقوق شهروندی (در مفهوم جدید)، اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹ میلادی فرانسه مطرح شد که پس از تصویب در سپتامبر ۱۷۹۱ میلادی در صدر قانون اساسی قرار گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ میلادی در مجمع عمومی ملل متحد به امضاء کشورها رسید در بسیاری از مواد خود از محتوای اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه الهام گرفته است. حقوق شهروندی که شامل برخورداری افراد یک جامعه از کلیه حقوق فردی و اجتماعی، حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت‌های افراد در قبال یکدیگر، شهر و دولت

نیست. در واقع حق شهروندی به اعتبار تابعیت برقرار می‌شود. بنابراین این تعریف واقعیت است که حقوق شهروندی یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق سیاسی و غیرسیاسی (حقوق مدنی و بهره‌مندی‌های فردی و اجتماعی که دارای صبغه سیاسی نیستند) می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که «حقوق شهروندی» شامل هر سه نسل حقوق بشری که در سطح دکترین مطرح شده‌اند می‌باشند. این سه نسل شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حقوق همبستگی می‌باشند.

از طرف دیگر، در برخی از متون حقوقی یک تعریف موسعی از «شهروندی» مورد قبول واقع شده است. به‌طور مثال: «مطابق قانون اساسی ۱۷۹۱ میلادی فرانسه، «شهروندان» کسانی هستند که نه فقط در فرانسه از یک پدر فرانسوی و یا از یک پدر خارجی متولد شده‌اند، یا در خارج از کشور از یک پدر فرانسوی زاده شده‌اند، بلکه آنهایی را هم که در خارج از کشور، از والدین خارجی متولد شده‌اند و به مدت حداقل ۵ سال مقیم فرانسه بوده و در اینجا کار می‌کنند و یا صاحب املاک هستند و یا همسر فرانسوی دارند شامل می‌شود.

قانون اساسی ۱۷۹۳ میلادی فرانسه، تعریف وسیع‌تری را ارائه می‌کند که به موجب آن یک سال سکونت در فرانسه کافی است. به موجب این قانون، عناوین دیگری نیز پذیرفته شدند. به این توضیح که به رغم این قانون، «شهروند» آن کسی است که یک کودک را قبول می‌کند، یا شخصی مسنی را تغذیه و یا تمام خارجیانی که توسط هیئت قانونگذاری تأیید می‌شوند که به خوبی شایستگی بشریت را دارا می‌باشند (پورتال شهرداری تهران).

حقوق شهروندی در عمل

ساماندهی و نهادینه نمودن حقوق شهروندی مستلزم مباحث نظری و کاربردی است. در عرصه نظری تلاش بر این است تا داده‌های علمی و فکری در محافل دانشگاهی، تحقیقاتی و آموزشی پایه‌های اساسی حقوق شهروندی را بنا شوند و با تئوری‌سازی نظام حقوقی حقوق شهروندی، در قالب تدوین سیاست‌ها و راهبردها، وضع قوانین و مقررات، زمینه اجرایی و عملی شدن اصول و قواعد و نظامات حقوق شهروندی فراهم شود.

در عرصه عملی و کاربردی، ساختارها، دستگاه‌ها، نهادها، ابزارها، وسایل، امکانات، منابع، نیروی انسانی و سازوکارهای اجرایی برای تحقق و فعلیت بخشیدن به بنیادهای نظری و فکری و محتوای برنامه‌ها و اهداف مقرر در سیاست‌های کلی و قوانین و مقررات تعبیه شوند. اقدامات و تلاش‌های نظری زمانی به نتیجه می‌رسند که با رویه‌ها و ساختار مطلوبی هماهنگ و توأم شوند.

شهروندی می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود. حقوق شهروندی در واقع مجموعه حقوقی که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌باشند و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند، گفته می‌شود. بنابراین تعریف «حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فردی می‌باشد که چگونگی روابط مردم و دولت و مؤسسات شهری، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر را تنظیم می‌نماید که منعش از حقوق اساسی در چارچوب قانون اساسی کشور است و به منظور رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه است (بنی‌اسدی، ۱۳۹۵: ص. ۴۰).

حقوق شهروندی مطابق با اسناد و موازین قانونی است. حال ممکن است حق‌های شهروندان در مراحل اجرایی، مطابق قوانین از سوی متولیان به نحو احسن تأمین نشود و یا با کاستی و نواقص اجرا شود و یا اینکه اصلاً برخی از حقوق شهروندان توسط مقامات و نهادهای مسئول به مرحله اجرایی نرسید و صرفاً در همان متون قانونی متروک باقی بماند، در چنین وضعیت‌هایی می‌توان گفت که نظام حقوقی، حقوق شهروندی ناکارآمد و ناقص است؛ بنابراین ضروری است اقدامات صیانتی در احیاء و احقاق حقوق شهروندان در ساختار تضمینی و مؤثر صورت پذیرد که در دانش حقوق، به این مرحله «نظام دادرسی، احیاء و احقاق حقوق شهروندی» گفته می‌شود.

نظام دادرسی، احیاء و احقاق حقوق شهروندی به عنوان نظام حقوقی حقوق عمومی و حقوق بشری، در پی تضمین و صیانت از مفاهیم حقوق بشر و شهروندی است. در نظام شهروندی تضمین حق‌های شهروندان جزو تکالیف و تعهدات بنیادین نهادهای دولتی محسوب می‌شود. تعهدی که نه تنها نباید نقض گردد، بلکه در راستای صیانت از حقوق شهروندی باید به اجرا درآید. پس، دولت دو تعهد در تأمین و تضمین حقوق شهروندی دارد:

۱. ایجاد زمینه مناسب و مقتضی در تأمین حق‌های شهروندان
 ۲. تعهد به عدم نقض آن حقوق و دفاع از شهروندان در برابر ناقضین حق‌های شهروندی.
- حال اگر حق‌های شهروندی توسط سایر افراد یا در نتیجه نقض دو تعهد فوق‌الذکر دولت، نادیده یا مورد تجاوز قرار گرفته شود، شهروند حق دادخواهی، شکایت و اعتراض دارد. در نظام حاکمیت قانون و مردم‌سالار، هر شهروندی حق شکایت در مراجع قضایی و شبه قضایی نظیر دادسرا و دادگاه‌های دادگستری، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، دیوان محاسبات،

نهادهای فعال حقوق شهروندی

از آنجایی که حقوق شهروندی نظامی از انواع حق‌ها و تکالیف شهروندی در ارتباط یکدیگر و با دولت می‌باشد، لذا سازمان‌ها، نهادها و ساختارهای مختلفی در این خصوص در کشور ایران نقش آفرینی می‌نمایند که در ساختار قوای حکومتی و غیرحکومتی و برخی نهادهای دیگر سازماندهی شده‌اند. نهادهای مذکور به شرح زیر عبارت است از:

۱. نهادهای حاکمیتی یا حکومتی
 - نهاد رهبری
 - قوه مقننه
 - قوه مجریه
 - قوه قضائیه
 - پلیس
۲. نهادهای خاص حکومتی یا ملی
 - کمیسیون
 - کمیته‌های تخصصی
 - کمیسیون حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران
 - دفاتر بازرسی کل یا بازرسان معتمد و متخصص
۳. نهادهای غیرحکومتی یا مردم-نهاد
 - نهاد ملی حقوق شهروندی و حقوق بشر
 - انجمن حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان
۴. سایر نهادها
 - شوراهای اسلامی محلی و شهرداری‌ها
 - نهادهای آموزشی و پژوهشی (خسروی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۱-۵۸).
 - فرایندهای شکلی، نظام دادرسی و چگونگی احیاء و احقاق حقوق

تضمین، ارتقاء و توسعه حقوق شهروندی به وجود آید؛ نظیر: «وجود ابهامات و قیودی در متن قوانین و مقررات، عدم نهادینه شدن حقوق شهروندی، غفلت از فرهنگ سازی و اطلاع رسانی کافی در جامعه، نبود نظارت مستمر، دقیق، فعال و پاسخگو».

در خصوص رفع موانع توسعه و به منظور ارتقای حقوق شهروندی به طور مختصر راهکارهای عملی و اجرایی را می توان پیشنهاد نمود:

۱. اعمال سیاست‌هایی نظیر شفاف سازی قوانین
۲. نهادینه کردن حقوق شهروندی در جامعه و فرهنگ سازی مناسب
۳. استفاده از نهادهای مدنی و سازمان های غیردولتی
۴. ایجاد نظام کنترلی دقیق و اصلاح مسیر دادرسی ها
۵. ایجاد تشکیلات دفاع از حقوق شهروندی در قوای سه گانه و نهادهای اساسی کشور
۶. ایجاد تشکیلات قضایی ویژه برای رسیدگی به این نوع جرائم و تخلفات
۷. شفاف سازی تصمیمات مربوط به حقوق (ص. ۱۰۸-۱۰۷).

مبانی و اصول حقوق شهروندی و نظم عمومی

حقوق شهروندی و آزادی های عمومی بیانگر مختصات بنیادین افراد یک جامعه برای داشتن یک زندگی فردی و اجتماعی فعال در آن جامعه است، این حقوق که به حقوق مضاعف نیز معروف است با توجه به مفاد قانونی و اصول حقوقی هر جامعه تعیین می شود و به همین دلیل از هر کشور تا کشور دیگر تفاوت های بسیار دارد. برخی حقوق دانان به دلیل اینکه ماهیت حقوق شهروندی و آزادی های عمومی، حقوق بنیادین انسانی است به آن «حقوق بشر در نسخه ملی» می گویند. اما واقعیت این است که نسبت حقوق شهروندی آن را تا حدود بسیاری از حقوق بشر تفکیک می کند.

مفهوم و محتوای شهروندی در طول تاریخ، تحول بسیار یافته تا جایی که می توان مفهوم شهروندی در معنای باستانی آن را به برخی لحاظ با مفهوم شهروندی در دنیای مدرن در تضاد دانست. در حالی که شهروندی در معنای باستانی آن، عنوانی برای تجزیه ای اعضای جامعه به دو گروه ذاتاً نابرابر است. این پدیده در معنای مدرن خود جامعه، به دو گروه ذاتاً در تلاش برای از میان برداشتن نابرابری هاست و چنانچه به جای حقوق همگانی از حقوق ویژه نیز سخن به میان آورد در تلاش است تا به این وسیله از نابرابری ها بکاهد. در حالی که شهروندی در معنای سنتی اش با صفاتی انتسابی نظیر جنسیت و قومیت پیوند عمیق دارد، در معنای مدرن شهروندی و براساس رویکردهای مسلط در این حوزه، تلاش بر این بوده است تا چنین پیوندهایی با هویت های انتسابی گسسته شود.

هیأت رسیدگی به تخلفات اداری، دادسرا و دادگاه انتظامی قضات و سایر مراجع را خواهد داشت.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، نظام دادرسی و فرایند احیاء و احقاق حقوق شهروندی به شیوه های مختلف ساماندهی شده است که شامل:

۱. نهادهای شبه قضایی (اداری - قضایی)

۲. نهادهای قضایی

البته این نظام تحت نظام ارزش ها، اصول و قواعد حقوق بشری، رعایت کرامت انسانی، رفتار منصفانه و محترمانه در قالب «اصول دادرسی منصفانه و عادلانه» و «ساختارهای مطلوب و کارآمد شبه قضایی و قضایی» قرار دارد که به طور مبسوط به جزییات این نظام برای احیاء و احقاق حقوق شهروندی پرداخته می شود (همان منبع، ص. ۹۴-۹۳).

ارتقاء و توسعه حقوق شهروندی

افراد در زندگی اجتماعی و زیست جمعی، ضمن داشتن اهداف مشترک و همکاری های مسالمت آمیز، به دلیل تعارض در منافع و اراده ها همواره در صلح و ثبات به سر نمی برند و چه بسا در معرض آسیب دیگران قرار گیرند. از این جهت، شهروندان علاوه بر تضمین حقوق شهروندی، نیاز به صیانت و حمایت دارند. در این راستا، دولت مکلف است با وضع قوانین و مقررات مناسب و سازوکارها، ابزارها و امکانات مقتضی در مقام حمایت و صیانت از حقوق شهروندی انجام وظیفه نماید.

نظام کارآمد و مطلوب تأمین و تضمین حقوق شهروندی صرفاً با رویکرد تأمینی، حمایتی و صیانتی فوق الذکر محقق نخواهد شد، بلکه باید در مسیر توسعه و پیشرفت قرار گیرد و موانع و چالش های پیشرو نیز از میان برداشته شود. پس، حقوق شهروندی در رویکرد توسعه، در سطح و مرحله پیشرفته دیگری قرار می گیرد و صرفاً نمی توان به اقدامات حمایتی و صیانتی در جامعه برای رعایت کرامت و ارزش والای انسان و حقوق بنیادین وی دلخوش نمود.

زمانی می توان در مسیر توسعه و ارتقای حقوق شهروندی گام برداشت که از یک سو مردم به توسعه حق ها و تأمین آنها در شرایط مطلوب تر اعتقاد داشته و نسبت به آنها مطالبه گر و دارای احساس مسئولیت و مشارکت داشته باشند و از سوی دیگر، زمینه ها و بسترهای متنوع اجتماعی برای رشد، احیاء و توسعه حقوق شهروندی و بشر فراهم شود که عمدتاً دولت در این خصوص نقش بیشتری به عهده دارد. همچنین لازمه نگرش توسعه، مستلزم رفع هرگونه موانع سیاسی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره است. موانعی متعددی در جامعه می تواند بر سر راه تأمین،



کردند. قانون مشروطه فقط در قالب لفظ ماند، اما قانون اساسی یک شهروند کامل را با فصل ممیز کرامت انسانی ارائه داد. اصلی‌ترین قسمت که در قانون اساسی به حقوق شهروندی ایرانیان اشاره می‌کند فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

این فصل از اصل چهل و دوم به تضمین و تأیید حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی شهروندان می‌پردازد. با این وجود سایر اصول قانون اساسی نیز به مناسبت فصول دیگر به حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی اشاره می‌کنند. اصل چهل و ششم و چهل و هفتم به قانون مالکیت شخصی و یا اصل یکصد و شصت و نهم به اصل قانونی جرایم اشاره دارد. اصل بیستم قانون اساسی که در مطلع پیامش مقرر نموده همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند، به این آرمان والا بسنده نکرده و تکمیل پیام به مفاهیم جدیدی همچون حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی اشاره نموده است. امری که بدون آن قانون اساسی هر ملتی ناقص و ناپایدار است. اصل بیستم به زبانی رسا و روشن مقرر داشته است که: «افراد ملت از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.» در همین راستا می‌توان اصول ۳۴، بند ۳ اصل ۱۵۸، اصل ۱۰ و ۱۱، اصل ۲۳ و ۳۲، اصل ۳۸، اصل ۳۹ و ۱۶۱ را نیز در راستای حقوق شهروندی دانست (همان منبع، ص. ۷۳).

حقوق شهروندی در قرآن کریم

مهم‌ترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی قرآن کریم است که «تبیان کلّ شی» است و تجدد را که بشریت در عرصه ارتباطات فردی، اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی بدان نیازمند است، به بهترین صورت برای جوامع بشری به ارمغان آورده که سیره نبوی و دیگر معصومان علیهم‌السلام نیز مطابق با درک درست مفاهیم آن کتاب عظیم است. پیامبر گرامی اسلام هسته اولیه امت وسط و الگو را پی‌ریزی فرمود، و پس از اندک زمانی به یثرب رفت، و یثرب را به «مدینه النبی» تبدیل نمود. مدینه‌ای که در آن حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش براساس بندگی خدا و قانون‌گذاری حق شکل گرفت. با توجه به اهداف هر حکومتی، می‌توان به حقوق مردم از دیدگاه آن حکومت پی‌برد. نخستین هدف در حکومت اسلامی در زمینه فرهنگ و ایدئولوژی مردم است. زیرا پاسخگویی به نیازهای فکری و اعتقادی مردم آن زمان و چه‌بسا بشریت، از مهم‌ترین اهداف رسالت پیامبر اکرم (ص) بوده است. وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ «پیامبری که بار سنگین را از دوش مردم برمی‌دارد و بندها و زنجیرها را از آنان باز می‌کند». بدیهی

ریتز با بررسی روند تاریخی، مفهوم شهروندی مدرن را حائز چهار بُعد حقوق، تکالیف، مشارکت و هویت می‌داند. اندیشه‌ی سیاسی مدرن دو مفهوم از شهروندی به جای گذاشته است، یکی مفهوم شهروندی را با مشارکت در جامعه‌ی مدنی مربوط می‌داند و دیگری شهروندی را به‌عنوان یک موقعیت قانونی بر پایه‌ی حقوق قلمداد می‌کند که عموماً با احترام به دولت به‌عنوان پدیده‌ی مقابل با جامعه‌ی مدنی تعریف می‌شود.

بر این اساس نظریه‌ی سیاسی جمهوری خواهی - از اندیشه‌ی کلاسیک تا دوران رنسانس و روشنگری - حامل بُعد اول (تأکید بر مشارکت و نظریه‌ی لیبرالی در بردارنده‌ی بُعد دوم (تأکید بر حقوق) است (مجموعه مقالات همایش علمی پژوهشی حقوق شهروندی، ۱۳۸۶).

سابقه‌ی تاریخ مفهوم حقوق شهروندی

حقوق شهروندی اصطلاحی است که در سال‌های اخیر در ادبیات حقوقی و سیاسی کشورمان رواج یافته و در محافل دانشگاهی و میان صاحبان فکر و قلم و اندیشه رونق یافته است.

هر چند این اصطلاح آن‌گونه که در لسان رایج اجتماعی و حتی فرهیختگان ما جریان دارد چندان تطابق مفهومی با «حق شهروندی» در نظام‌های حقوقی غربی ندارد. حوزه‌ی مطالعات حقوق شهروندی در کشورهای اروپایی و آمریکایی، زیرمجموعه‌ی شاخه علوم سیاسی قرار می‌گیرد و بیشتر ناظر بر حقوق مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور کشور بوده و جلوه‌های گوناگونی از این حق را در برمی‌گیرد. از سویی دیگر در این مفهوم، حقوق شهروندی مقید به مرزهای یک کشور است و نسبت نزدیکی با مقوله‌ی تابعیت دارد، حال آنکه در کشور ما این اصطلاح در معنی به کار می‌رود.

دلیل این امر را شاید بتوان در تلقی آموزه‌های دینی از حقوق فطری انسان‌ها و به ویژه تأکیدات دین مبین اسلام بر کرامت انسانی و دامنه‌ی وسیع حقوق اشخاص در این اندیشه جستجو کرد. چنان که در آثار و آرای برخی از متفکران و عالمان اسلامی همچون فارابی از حقوق انسان در عرصه‌ی اجتماع با عنوان حقوق مدنی یاد می‌شود و مقصود حقوق انسان‌ها (شهروندان) در بستر ظهور شهرها و تمدن‌های جدید است (فغان‌نژاد و نوری، ۱۳۹۱، ص. ۷۲).

سابقه حقوق شهروندی در قانون جمهوری اسلامی ایران در نظام جدید حقوقی ایران مهم‌ترین سندهای حقوق شهروندی در قالب مفاد قانون اساسی و قبل از آن فرمان مشروطیت ذکر شده است. قانون مشروطه و قانون اساسی، هر کدام اتباع ایرانی را از وضعیت تبعه‌ی ساده و رعیت حکومت به شهروند ایرانی تبدیل

در روم قدیم نیز اتباع کشور به دو دسته تقسیم می‌شدند: شهروندان یعنی رومیان اصلی که از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار بودند و رعایا یعنی اقوام و ملل دیگر که تحت تسلط حکومت رومیان بودند (رضایی‌پور، ۱۳۸۵، ص. ۱۱). در این دوران شهروندی به افراد و گروه‌هایی اعطا می‌شد که به روم خدمت می‌کردند (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶، ص. ۵۰).

اولین فیلسوف و متفکر سیاسی که به مفهوم شهروند در تئوری‌های سیاسی پرداخت افلاطون بود. افلاطون در کتاب جمهوری که در آن الگوی ابرشهر را به دست داد، شهروندان را یکی از محورهای اصلی تأسیس دولت و حکومت مطلوب قرار می‌دهد. ارسطو نیز به بحث در زمینه شهروندی می‌پردازد و شهروند را کسی می‌داند که در حکمرانی و فرمانبرداری سهیم باشد (افلاطون، ۱۳۵۵، ۱۳۲). ارسطو شهر را جامعه متشکل از شهروندان تعریف می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۳).

در این میان هر چند امروزه حقوق شهروندی پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود اما آموزه‌های فلسفی باستان و همچنین آموزه‌های مذهبی ادیان توحیدی مانند مسیحیت و اسلام بر اصالت آن گواهی می‌دهد. نقش آموزه‌های مذهبی به ویژه در حوزه حقوق طبیعی و فطری بی‌گمان در تکوین شاکله نوین این مفهوم در غرب قابل انکار نیست.

شهروندی را در مفهوم کنونی خود می‌توان ساخته دیدگاهی دانست که بعد از انقلاب صنعتی و به دلیل ضرورت‌های آن دوران تقویت گردید. در یک سیر کوتاه باید ادعان داشت، حقوقی که به طور نظری در قرن ۱۷ و ۱۸ تحلیل شده بود، در اوایل قرن ۱۹ و با برتری انقلاب صنعتی از لحاظ سیاسی تثبیت گردید و در اواخر آن قرن استقرار یافت. شهروندی به مثابه یک سامانه حمایت فردی در سده بیستم در واکنش به موضوعاتی مانند محرومیت نژادی و دیگر شکل‌های نابرابری اقتصادی و تفاوت‌های موجود در قدرت، در مورد گروه‌هایی مانند زنان، کودکان و ناتوانان توسعه یافت. در ادامه حمایت از حقوق شهروندی در پی روند جهانی شدن حقوق بشر بود. این دوره با حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌ها خاص شروع شد و به تدوین برخی اسناد بین‌المللی درباره برخی اقشار و برخی اقلیت‌های دینی و ملی انجامید (طاهری، محسن، ۱۳۹۵، ص. ۳-۴).

ب. در ایران

هر چند حقوق شهروندی با این عبارت در اورپا پا گرفته، ولی از دید مفهومی این حقوق در ایران و اسلام سده‌ها پیش از اروپا مدون شده است. اعلامیه کوروش بزرگ پس از رسیدن به قدرت که با آسانگیری و خردمندی در برخورد با دیگر اقوام و آیین‌ها همراه بود، نمونه‌ای از دیرینگی توجه ایرانیان به حقوق شهروندی است (افضلی، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۰). همچنین در بسیاری از آموزه‌های دین

است منظور از بارهای سنگین، آداب و رسوم جاهلی و نیز غل و زنجیرهای فکری و روحی می‌باشد، که بر نیروها و استعداد‌های معنوی بشر سایه افکنده است (ابنتراب، ۱۳۸۵).

ویژگی‌های حقوق از دیدگاه حضرت علی (ع)

موضوع حقوق اجتماعی، عدالت، مساوات، و مبارزه با ظلم و ستمگری و تجاوز، از موضوعاتی است که در نهج‌البلاغه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در کلمات مولای متقیان حضرت علی (ع) بحث‌های بسیاری در مورد انواع حقوق در جامعه بشری مطرح گردیده است.

خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه در مورد حقوق اجتماعی است. آن حضرت (ع) در این خطبه به بیان حقوق متقابل رهبری و مردم می‌پردازد. در نخستین بخش این خطبه می‌فرماید «فقد جعل الله سبحانه لی علیکم حقاً بولایه امرکم، و لکم علی من الحق» خداوند سبحان برای من بر شما به جهت سرپرستی و حکومت حقی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقی تعیین فرموده است. بنابراین، از نظر ایشان تعیین حقوق از جانب پروردگار است. سپس می‌افزاید حق گسترده‌تر از آن است که قابل وصف باشد، اما در هنگام عمل تنگنایی بی‌مانند است. سپس به ارتباط بین حق و تکلیف اشاره می‌فرماید، که حق اگر به سود کسی اجرا شود ناگزیر به زیان او نیز به کار می‌رود و تنها حق خداوند سبحان یک طرفه است.

بنابراین، چنین نیست که بعضی تنها بر عهده دیگران حقوقی داشته باشند، بدون اینکه خود تعهدی داشته باشند. در بخش بعدی بیان نورانی آن حضرت (ع) پیوند مردم با نظام و پیوند و انسجام آحاد ملت مورد تأکید قرار می‌گیرد، که سبب یأس دشمن و نیک‌بختی افراد اجتماع می‌گردد (همان منبع).

نگاهی کنرا به پیشینه و تحولات حقوق شهروندی

الف. در غرب

مفهوم شهروند را می‌توان از حیث دیرینگی به یونان باستان نسبت داد. این مفهوم به کسانی که به دلیل سکونت در دولت شهر، دارای حقوق سیاسی بودند، اطلاق می‌گردید (علیدوستی، ۱۳۸۸، ص. ۵۱-۵۰). مفهوم شهروندی در معنای باستانی خود بر مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت ساسی فعال دلالت داشته است. در گذشته شهروند بودن یعنی توانایی حکومت کردن و حکومت شدن که البته این امر برای افراد امکان‌پذیر بوده است (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶، ص. ۴۹).

خود از آن برخوردار می‌گردد. این دسته از حقوق انسانی می‌تواند فردی، جمعی، نسلی و جهانی باشد. حقوق بشر امروزی که در قالب منشورها و میثاق‌ها ظهور کرده، فارغ از دغدغه‌های ملی دولت‌ها به ترسیم حقوق افراد پرداخته است. اما حقوق شهروندی در جایی مطرح می‌گردد که حقوق بشر قرار است درون یک جامعه مدنی ذیل یک حکومت خاص شکل قانونی و اجرایی به خود گیرد (طاهری، محسن، ۱۳۹۵، ص. ۵). به عبارتی می‌توان گفت که بین این دو مفهوم رابطه عموم و خصوص مطلق حاکم است. یعنی تمامی ویژگی‌های حقوق بشر، در حقوق شهروندی وجود دارد، اما نمی‌توان همه ویژگی‌های حقوق شهروندی را در حقوق بشر ملاحظه کرد (تقی‌پور، ۱۳۹۰، ص. ۳۵).

البته در نگاهی دقیق به معانی و منشا فلسفی این دو حق مبانی مشترکی خواهیم یافت؛ از جمله برابری، آزادی و خودمختاری انسان. اعمال حقوق شهروندی نیازمند بهره‌مندی از حقوقی است که آن را به عنوان حقوق بشر می‌شناسیم و بسیاری این حقوق را میثاق‌ها و قطع‌نامه‌های بین‌المللی شناسایی و تضمین کرده‌اند. پشتیبان و تضمین‌کننده اصلی هر دو این حقوق نیز دولت‌ها محسوب می‌شوند. در واقع می‌توان گفت که حقوق مدنی و سیاسی منطقه هم‌پوشانی است که حقوق بشر و حقوق شهروندی را به هم مرتبط می‌نماید (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶، ص. ۶۱).

حقوق شهروندی در نظام اداری

شامل تمامی وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی، استانداری‌ها و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند.

شورای عالی اداری در یکصد و هفتاد و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۹ به پیشنهاد سازمان اداری و استخدامی کشور، به منظور رفع تبعیض و ایجاد نظام اداری پاسخگو و کارآمد، با هدف بهبود و ارتقای سطح حقوق شهروندی، بهره‌مندی شهروندان از ظرفیت‌های ایجاد شده، تسهیل در تحقق اهداف سیاست‌های کلی نظام اداری، فصل سوم قانون مدیریت خدمات کشوری، بخش هفتم از «برنامه جامع اصلاح نظام اداری» مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ هیأت وزیران و همچنین «منشور حقوق شهروندی» ابلاغ شده در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۹، «حقوق شهروندی در نظام اداری» را به شرح زیر تصویب نمود. این مصوبه در ۱۹ ماده تدوین و از تاریخ ابلاغ، لازم‌الاجرا می‌باشد.

فصل اول - اصول و مبانی

مبیین اسلام توجه به مبانی و جنبه‌های مختلف حقوق شهروندی کاملاً مشهود است.

در تاریخ معاصر ایران چندان نمی‌توان جایی برای حقوق شهروندی پیدا کرد. نظام شاهنشاهی و پادشاهی حاکم بر ایران، چندان توجهی به آرا و حقوق مردم نمی‌کرد. یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز توجه به همین نقض حقوق مردم بود (طاهری، محسن، ۱۳۹۵، ص. ۴۰).

یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی در دوران معاصر، فرمانی است که در زمان ناصرالدین شاه و توسط امیرکبیر صادر شد و در آن بر رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنان تأکید شده است. به دنبال انقلاب مشروطه، ایران برای نخستین بار صاحب قانون اساسی مدون گردید. قانون اساسی مشروطه به عنوان میثاقی ملی، قدرت مطلق پادشاه را محدود ساخت. در متمم قانون اساسی مشروطه در فصلی با عنوان حقوق ملت، مهم‌ترین حقوق فردی و شهروندی در هجده اصل (اصول ۸ تا ۲۶) مورد تأکید قرار گرفت.

در ادامه پیدایش دولت مطلقه در عصر پهلوی کارکرد و کارآمدی قانون اساسی را با چالش مواجه ساخت. عدم رعایت این گونه قوانین در سال‌های حکومت خاندان پهلوی در ایران بسط یافت و حقوق مردم مورد نفی و انکار قرار گرفت. با وقوع انقلاب اسلامی ایران، دومین قانون اساسی مدون در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید. در قانون اساسی جدید به منظور نهادینه کردن حقوق و امتیازات ملت که شامل آحاد مردم ایران از اقوام و ادیان و مذاهب گوناگون بود، فصل جداگانه‌ای در نظر گرفته شد که به نوعی می‌توان آن را پایه و اساس حقوق شهروندی در جامعه ایرانی و اسلامی به حساب آورد (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸، ص. ۴۰).

رابطه حقوق شهروندی و حقوق بشر

لازم به ذکر است که مفهوم حقوق شهروندی جدیدتر از واژه حقوق بشر است و آغاز شهروندی را می‌توان مصادف با پیدایش دولت‌های ملی دانست؛ زیرا با ظهور این دولت‌ها افراد جامعه دارای حقوق و تکالیفی می‌شوند که در نظام‌های قبلی برای رعیت‌ها متصور نبود (تقی‌پور، ۱۳۹۰، ص. ۳۵). بنابراین امروزه حقوق شهروندی اغلب در کنار مفهوم حقوق بشر مطرح می‌شود و این مفاهیم گاه به عنوان مترادف و جانشین یکدیگر به کار می‌روند، اما در تفکیک مفهومی، مرزهای ظریفی میان این دو وجود دارد (کلی کیت، ۱۳۸۱، ص. ۷۹).

حقوق بشر ناظر به حقوقی است که هر انسان به حکم انسان بودن

۴. حق دسترسی آسان و سریع به خدمات اداری
۵. حق حفظ و رعایت حریم خصوصی همه افراد
۶. حق آگاهی به موقع از تصمیمات و فرآیندهای اداری و دسترسی به اطلاعات مورد نیاز
۷. حق اظهار نظر آزاد و ارائه پیشنهاد در مورد تصمیمات و فرآیندهای اداری
۸. حق مصون بودن از شروط اجحاف‌آمیز در توافق‌ها، معاملات و قراردادهای اداری
۹. حق اشخاص توانخواه در برخورداری کامل و سریع از امتیازات خاص قانونی
۱۰. حق رسیدگی به موقع و منصفانه به شکایات و اعتراضات
۱۱. حق جبران خسارات وارده در اثر قصور یا تقصیر دستگاه‌های اجرایی و کارکنان آنها

فصل سوم - تکالیف کارکنان و دستگاه‌های اجرایی نسبت به حقوق شهروندی در نظام اداری

- ماده ۳. حق برخورداری از کرامت انسانی و رفتار محترمانه و اسلامی
۱. دستگاه‌های اجرایی در تمامی فعالیت‌های اطلاع‌رسانی، دعوت‌نامه‌ها، آگهی‌ها، ابلاغ‌ها و هشدارها باید از ادبیات محترمانه و غیرتحکم‌آمیز استفاده نمایند.
 ۲. دستگاه‌های اجرایی مکلفند محیط آرایه خدمت، امکانات و تسهیلات مناسب و شرایط حاکی از احترام به مراجعین را فراهم نمایند.
 ۳. در مکان‌های ورودی و خروجی دستگاه‌های اجرایی، رعایت حرمت مراجعین ضروری است و در موارد خاصی که بازرسی مراجعین ضرورت داشته باشد باید تا حد ممکن به جای بازرسی بدنی، از وسایل و تدابیر بازرسی نامحسوس و الکترونیکی استفاده شود.
 ۴. دستگاه‌های اجرایی موظفند دلایل منع همراه داشتن وسایلی نظیر گوشی تلفن همراه و... به هنگام ورود به دستگاه را حسب ضرورت‌های قانونی اطلاع‌رسانی نمایند و برای امانت‌سپاری وسایل همراه مراجعین، مکان مطمئنی در نظر بگیرند به نحوی که دسترسی به آن نباید مراجعین را دچار مشقت کند یا هزینه‌ای را متوجه آنان نماید.
 ۵. مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی باید در گفتار، رفتار و مکاتبات خود با مراجعین، ادب و نزاکت را رعایت و از به کار بردن الفاظ و عبارات عرفاً آهانت‌آمیز و غیرمحترمانه و یا انتساب هر گونه اتهام یا عناوین مجرمانه به آن‌ها احتراز نمایند.
 ۶. رفتار توأم با احترام متقابل میان کارکنان و مراجعین در هر

ماده ۱. اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری منبث از منشور حقوق شهروندی عبارت است از:

۱. اداره شایسته امور کشور بر پایه قانون‌مداری، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف توسط همه مسئولین و کارکنان دستگاه‌های اجرایی الزامی است.
۲. رعایت قانون و انجام امور اداری مردم‌مبتنی بر اصل بی‌طرفی و پرهیز از هرگونه پیش‌داوری، منفعت‌جویی یا غرض‌ورزی شخصی بدون در نظر گرفتن گرایش‌های سیاسی، قوی و رابطه خویشاوندی، توسط همه مسئولین و کارکنان دستگاه‌های اجرایی الزامی است.
۳. امکان دسترسی سهل و بدون تبعیض شهروندان به مراجع صالح و بی‌طرف قضایی، اداری و نظارتی، به‌منظور دادخواهی آزادانه برای شهروندانی که تصمیمات نهادهای اداری و یا کارکنان را خلاف قوانین و مقررات بدانند.
۴. الزام به اطلاع‌رسانی تصمیمات و اقدامات اداری همه مسئولین و کارکنان دستگاه‌های اجرایی که به نوعی حقوق و منافع مشروع شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.
۵. امکان دسترسی مستمر شهروندان به مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی برای پاسخگویی و ارائه راهنمایی‌های لازم در چارچوب وظایف محوله.
۶. الزام به ارائه و انتشار مستمر اطلاعات غیرطبقه‌بندی شده و مورد نیاز شهروندان توسط دستگاه‌های اجرایی.
۷. امکان دسترسی شهروندان به اطلاعات شخصی خود که توسط اشخاص و مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات عمومی جمع‌آوری و نگهداری می‌شود و اجتناب از ارائه اطلاعات خصوصی شهروندان به دیگران، بدون وجود قانون الزام‌آور با رضایت خود فرد.
۸. امکان بهره‌گیری غیرتبعیض‌آمیز شهروندان از مزایای دولت الکترونیک و خدمات الکترونیکی، فرصت‌های آموزشی و توانمندسازی کاربران در نظام اداری.
۹. فراهم کردن زمینه قانونی بهره‌گیری شهروندان از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر زنان و مردان در قبال کار یکسان و اجتناب از رویکردهای سلیقه‌ای، جناحی، تبعیض‌آمیزی و روش‌های ناقض حریم خصوصی در فرآیند جذب و گزینش.

فصل دوم - مصادیق حقوق شهروندی در نظام اداری

- ماده ۲. مصادیق حقوق شهروندی در نظام اداری عبارت است از:
۱. حق برخورداری از کرامت انسانی و رفتار محترمانه و اسلامی
 ۲. حق برخورداری از اعمال بی‌طرفانه قوانین و مقررات
 ۳. حق مصون بودن از تبعیض در نظام‌ها، فرآیندها و تصمیمات اداری

شرایطی باید رعایت و کرامت انسانی آنان حفظ گردد.

ماده ۴. حق برخورداری از اعمال بی طرفانه قوانین و مقررات

۱. بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و مکاتبات اداری در دستگاه‌های اجرایی، باید به گونه‌ای تنظیم و ابلاغ شوند که برای مردم ساده، شفاف و قابل دسترس بوده و از هر گونه تبعیض در ابلاغ و اجرای بخشنامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها، تصمیمات و دستورات اداری نسبت به مردم اجتناب شود. بدیهی است رفتار متفاوت حمایتی که بر مبنای معلولیت، سالمندی یا سایر وضعیت‌های نوعاً قابل توجه صورت می‌گیرد، تبعیض محسوب نمی‌شود.

۲. دستگاه‌های اجرایی مجاز به مطالبه مدارک یا اطلاعاتی، اضافه بر آنچه در قوانین و مقررات پیش‌بینی شده از مراجعین نیستند و نباید هزینه‌ای، بیش از آنچه در قوانین و مقررات تصریح گردیده دریافت کنند. در مواردی که مطابق مقررات، باید هزینه‌ای دریافت شود، مراتب با ذکر مستند قانونی به مراجعین اعلام گردد.

۳. دستگاه‌های اجرایی باید وظایف خود را در مدت زمان تعیین شده در قانون یا مقررات مصوب انجام دهند و چنانچه در قانون و مقررات مربوط، زمان معین نشده باشد، زمان مناسب برای هر یک از خدمات را تعیین و از قبل به مراجعین اطلاع‌رسانی کنند.

۴. دستگاه‌های اجرایی باید دانش و مهارت تخصصی لازم و همچنین رعایت انضباط اداری و حقوق شهروندی مرتبط با وظایف و اختیارات را به همه کارکنان خود آموزش دهند.

۵. مدیران و مراجع اداری باید تصمیمات خود را بر اساس ادله معتبر اتخاذ کرده و استدلال‌ها و استنادهای قانونی مورد استفاده در اعلام تصمیم خود را بیان کنند.

۶. پذیرش هرگونه درخواست حضوری خدمات اداری از سوی مردم توسط مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی، صرفاً در محیط و ساعات اداری قابل پذیرش است. از پذیرش درخواست‌ها در خارج از محیط یا ساعت غیراداری، باید اکیداً اجتناب شود.

۷. مراجع اداری و مدیران دستگاه‌های اجرایی باید قابل تجدیدنظر بودن تصمیمات خود، مرجع، مهلت و نتیجه تجدیدنظر را در تصمیمات خود اعلام کنند.

ماده ۵. حق مصون بودن از تبعیض در نظام‌ها، فرآیندها و تصمیمات اداری

۱. دستگاه‌های اجرایی باید فرآیند و رویه مشخص و اعلام شده‌ای برای ارائه خدمات خود داشته باشند و آن را به‌طور یکسان نسبت به همه مراجعین رعایت کنند.

۲. مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی باید تصمیمات و اقدامات خود را مستند به قوانین و مقررات مربوط انجام دهند و از هرگونه تبعیض یا اعمال سلیقه در اجرای قوانین و مقررات اجتناب نمایند.

۳. کارکنان دستگاه‌های اجرایی در همه سطوح باید در اعمال صلاحیت‌ها و اختیارات اداری خود نظیر احراز صلاحیت‌ها، جذب

نیرو، صدور مجوزها و نظایر آن بدون تبعیض عمل کنند.

ماده ۶. حق دسترسی آسان و سریع به خدمات اداری

۱. مردم حق دارند شخصاً و یا از طریق نماینده قانونی خود به خدمات دستگاه‌های اجرایی، دسترسی آسان و سریع داشته باشند.

۲. دستگاه‌های اجرایی باید نهایت تلاش خود را به کارگیرند تا دسترسی مردم به خدمات آنها به طریق غیر حضوری و یا استفاده از خدمات دولت الکترونیک و به‌طور کلی ابزارها و فناوری‌های نوین انجام گیرد. تضمین کیفیت این دسترسی از نظر سرعت، امنیت و پایین بودن هزینه با دستگاه مربوط خواهد بود.

۳. چنانچه دریافت خدمات از دستگاه اجرایی، مستلزم مراجعه حضوری باشد باید نکات زیر رعایت شوند:

الف. تجمیع فرآیندهای اداری مربوط به هر خدمت در یک مکان.
ب. نصب تابلوهای راهنما در اطراف، ورودی و داخل ساختمان اداری.

ج. پیش‌بینی امکانات و تسهیلات فیزیکی برای رفاه مراجعین از جمله مبلمان، آب آشامیدنی، سرویس بهداشتی و حتی المقدور آسانسور و پارکینگ.

د. رعایت دقیق ساعت کار اداری و ارائه خدمات در تمام ساعت کار اداری.

هـ. پرهیز از ایجاد مزاحمت برای همسایگان، ساکنان محلی و سایر مردم.

۴. دستگاه‌های اجرایی موظفند بر اساس نوع فعالیت و خدمات، فرم‌های مرتبط را تهیه و به‌سهولت در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار دهند.

۵. تمامی تقاضاهای مراجعین (اعم از مکتوب یا الکترونیک)، باید ثبت شده و شماره پیگیری در اختیار آنان قرار داده شود. همچنین دستگاه‌های اجرایی باید به روشنی، مراجعین را با فرآیند رسیدگی، واحد و فرد رسیدگی‌کننده به تقاضای آنها آشنا سازند.

۶. رسیدگی به تقاضای مراجعین باید بلافاصله بعد از ثبت آن با رعایت نوبت و ترتیب آغاز شود. چنانچه تقاضا یا مدارک ناقص بوده و نتوان رسیدگی را ادامه داد، لازم است سریعاً مراتب به اطلاع متقاضی رسانده شده و تکمیل اطلاعات و مدارک از وی درخواست شود.

۷. دستگاه‌های اجرایی مکلفند خدمات خود را در همه روزهای کاری و در طول ساعات اعلام شده به‌طور پیوسته ارائه دهند و تعطیلی موقت ارائه خدمات در اوقات اداری، حتی به مدت کوتاه مجاز نیست.

۸. دستگاه‌های اجرایی باید با بررسی و بازنگری مکرر فرآیندهای ارائه خدمت خود، نسبت به روان‌سازی و حذف رویه‌های زاید یا محل در خدمت‌رسانی مطلوب به مردم اقدام نمایند.

۹. چنانچه کارمند یا مأمور ارائه خدمات عمومی به هر علتی در

۷. در صورت ضرورت برای اعمال نظارت الکترونیکی و نصب دوربین، دستگاه اجرایی باید مراتب را با هشدار مکتوب و استفاده از علایم قابل رؤیت، به اطلاع مردم و مراجعین برساند.
- ماده ۸. حق آگاهی به موقع از تصمیمات و فرآیندهای اداری و دسترسی به اطلاعات مورد نیاز
۱. مردم حق دارند بر اساس اطلاعاتی که دستگاه‌های اجرایی در دسترس قرار می‌دهند یا منتشر می‌کنند، برنامه‌های خود را تنظیم کنند. چنانچه دستگاهی بر خلاف اطلاعاتی که قبلاً اعلام کرده و آن اطلاعات، مبنای تصمیمات و اقدامات مردم قرار گرفته عمل نماید، باید پاسخگو باشد.
۲. در راستای تحقق نظارت واقعی مردم، دستگاه‌های اجرایی باید به‌طور سالانه، گزارش عملکرد خود را در دسترس عموم قرار دهند.
۳. با رعایت قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب سال ۱۳۸۸ و آیین‌نامه‌های اجرایی آن و سایر قوانین و مقرراتی که حق دسترسی افراد به اطلاعات موجود در دستگاه‌های اجرایی را تصریح کرده‌اند، دستگاه‌های اجرایی موظفند اطلاعات درخواستی مردم را در دسترس آنها قرار دهند.
۴. به‌موجب ماده (۱۰) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، هر دستگاه اجرایی باید راهنمای دسترسی مردم به اطلاعات خود مشتمل بر انواع و اشکال اطلاعات موجود در آن مؤسسه و نیز نحوه دسترسی به آنها را در سامانه اطلاع‌رسانی خود منتشر کرده و به‌صورت مکتوب نیز در اختیار متقاضیان قرار دهد.
۵. برای آشنا نمودن مردم با حقوق خود و فرایندهای اداری، دستگاه‌های اجرایی باید به آموزش همگانی از طریق وسایل ارتباط جمعی اقدام، تا مردم ضمن آشنایی با حقوق و تکالیف خود در تعامل با آن سازمان، انتظارات خود را تنظیم نمایند.
۶. اطلاعات مورد نیاز مردم می‌بایست از طرق مختلف نظیر موارد ذیل در اختیار آنها قرار داده شوند:
- الف. نصب تابلو راهنما در مبادی ورودی و معرض دید مراجعین و نیز تارنما (وبسایت) و درگاه (پرتال) اینترنتی.
- ب. تهیه و توزیع بروشور و کتاب راهنمای مراجعین.
- ج. راه‌اندازی خط تلفن گویا.
- د. نصب نام، پست سازمانی و رئوس وظایف متصدیان انجام کار در محل استقرار آنان.
۷. دستگاه‌های اجرایی باید در ابلاغ تصمیمات خود به مراجعین، ضمن رعایت نکات زیر، نسخه‌ای از تصمیم اتخاذ شده را به ذی‌نفع تحویل نمایند.
- الف. تاریخ و شماره تصمیم.
- ب. مشخصات متقاضی.
- ج. مستندات قانونی و استدلال‌های منجر به تصمیم اتخاذ شده.
- محل کار خود حاضر نباشد، مقام مافوق او باید ترتیبی اتخاذ کند که ارائه خدمات به مراجعین متوقف یا موقوف به مراجع مجدد نشود.
۱۰. در ساعات مراجعه مردم، همواره باید مقام تصمیم‌گیر و امضاکننده یا مقامات مجاز از سوی ایشان در محل ارائه خدمت حضور داشته باشد.
۱۱. تمامی کارکنان مکلف به راهنمایی و ارائه کمک‌های ضروری به مراجعین هستند و چنانچه تقاضای مراجعین در حیطه وظایفشان نباشد، باید آنها را به‌نحو مناسب راهنمایی کنند.
۱۲. کارکنان دستگاه‌های اجرایی باید از انجام امور شخصی در منظر مراجعین و به‌طور کلی در ساعات اداری اجتناب کنند.
- ماده ۷. حق حفظ و رعایت حریم خصوصی همه افراد
۱. اگر فردی اثبات کند که اطلاعات شخصی مربوط به او نادرست، ناقص یا روزآمد نیست، دستگاه اجرایی دارنده اطلاعات، باید نسبت به اصلاح اطلاعات مذکور اقدام نماید. چنانچه فرد و دستگاه درباره صحیح، کامل و روزآمد بودن اطلاعات جمع‌آوری شده اختلاف داشته باشند، فرد می‌تواند از دستگاه بخواهد تا ادعای وی در این زمینه، در پرونده او منعکس شود. چنانچه اطلاعات شخصی وی در اختیار دیگر دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد اعتراض فرد نیز باید به آنها منعکس گردد.
۲. جمع‌آوری اطلاعات شخصی از افراد توسط دستگاه‌های اجرایی، تنها در حد ضرورت و با استفاده از طرق و وسایل قانونی و شفاف مجاز بوده و استفاده از وسایل و روش‌های غیرقانونی و نامتعارف ممنوع است. این اطلاعات تا حد امکان، باید از خود اشخاص اخذ و جمع‌آوری شود.
۳. دستگاه‌های اجرایی باید اطلاعات شخصی افراد را فقط در جهت منظور و هدف اولیه از جمع‌آوری آنها به کار برده و نباید برای اهداف و مقاصد دیگر از آنها استفاده و یا در اختیار سایر دستگاه‌ها و اشخاص غیرمسئول قرار دهند.
۴. دستگاه‌های اجرایی باید تدابیر ضروری جهت پیشگیری از مفقود شدن، افشا یا سوءاستفاده از اطلاعات افراد، که به مناسبت وظایف و اختیارات خود از آنها مطلع شده‌اند را اتخاذ کنند.
۵. رهگیری و شنود ارتباطات اینترنتی، تلفنی و کلامی - حضوری افراد در دستگاه‌های اجرایی ممنوع است و در صورت ضرورت، در چارچوب قوانین مربوطه انجام خواهد گرفت.
۶. دستگاه‌های اجرایی مجاز به استفاده از نظارت‌های الکترونیکی مغایر با حریم شخصی افراد نیستند مگر آنکه بر مبنای دلایل قوی، احتمال ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه در محیط کار از قبیل سرقت، تخریب اموال یا سوءاستفاده از اموال محل کار وجود داشته، یا این امر برای تأمین امنیت و بهداشت محل کار یا کارکنان ضروری باشد.

- د. مفاد اصلی تصمیم.
- ه. اعلام مرجع و مهلت اعتراض به تصمیم.
- و. نام و سمت صادر کننده ابلاغیه.
۸. دستگاه‌های اجرایی مکلفند فرآیند انجام کار مراجعین را به صورت مرحله به مرحله، از طرق مقتضی نظیر ارسال پیامک به اطلاع آنها برسانند.
۹. دستگاه‌های اجرایی مکلفند اطلاعات راجع به نحوه استفاده مردم از خدمات و فرآیندهای اداری، نحوه مشارکت در آنها و نحوه اعتراض به تصمیمات و اقدامات خود را در اختیار عموم قرار دهند، به نحوی که امکان تصمیم‌گیری آگاهانه را برای آنها فراهم کنند.
۱۰. دستگاه‌های اجرایی باید متناسب با مراجعات، به منظور بهبود مستمر نظام ارایه خدمت و افزایش رضایتمندی مراجعان، به طرق مناسب اطلاع‌رسانی نموده و حسب میزان اهمیتی که اطلاع مردم از فعالیت‌های آنها دارد، جلسات پرسش و پاسخ با اصحاب رسانه برگزار کنند.
۱۱. در جلسات پرسش و پاسخی که از سوی سخنگوی دستگاه اجرایی یا روابط عمومی دستگاه برگزار می‌شود، نباید تبعیضی از حیث دعوت، شرکت، طرح پرسش، ارایه پاسخ و سایر موارد، علیه رسانه‌های منتقد صورت گیرد.
۱۲. دستگاه‌های اجرایی باید در فعالیت‌های اطلاع‌رسانی خود نکات زیر را مورد توجه قرار دهند:
- الف. مفید بودن اطلاعات قابل دسترس یا ارایه‌شده؛ یعنی اطلاعاتی که علم به آنها توان تشخیص و قضاوت و آگاهی افراد را افزایش می‌دهد.
- ب. درست بودن اطلاعات ارایه‌شده؛ بدین معنا که هم اسناد و مدارک و ابزارهای حاوی اطلاعات باید واقعی و صحیح بوده و هم مفاد و مندرجات آنها عاری از خدشه باشد.
- ج. به‌روز بودن اطلاعات قابل دسترس یا ارایه‌شده؛ یعنی اطلاعات باید حاوی آخرین تحولات، مصوبات، اصلاحیه‌ها و تفسیرها باشد.
- د. به‌موقع بودن اطلاع‌رسانی؛ یعنی اطلاعات باید در زمانی که نیاز به آن وجود دارد ارایه شود به نحوی که مخاطبان، فرصت معقول برای واکنش و تصمیم‌گیری پس از آگاه شدن از آن را داشته باشند.
- ه. کامل بودن اطلاع‌رسانی؛ یعنی تمام اطلاعاتی که واکنش یا اقدام یا تصمیم مخاطبان به آنها منوط است، نظیر زمان، مکان، اسناد و ادله، هزینه و مدارک هویتی لازم، به صورت یک‌جا اعلام شوند.
۹. حق اظهار نظر آزاد و ارایه پیشنهاد در مورد تصمیمات و فرآیندهای اداری
۱. هر فردی حق دارد در صورت مشاهده یا اطلاع از تخلفات اداری و نقض قوانین و مقررات در هر یک از دستگاه‌های اجرایی، موارد مشاهده یا اطلاع خود را به مراجع نظارتی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی گزارش کند.
۲. شهروندان حق دارند تا سیاست‌ها، فرآیندها، تصمیمات و اقدامات دستگاه‌های اجرایی را نقد نموده و نظر انتقادی خود را در چارچوب مقررات ابراز کنند.
۳. دستگاه‌های اجرایی به آزادی بیان نظرهای شخصی، ارزیابی‌های انتقادی و پیشنهادهای اصلاحی مراجعین و رسانه‌ها احترام گذاشته و فضای تحمل نظرات مخالف را در درون خود نهادینه کنند.
۴. دستگاه‌های اجرایی باید از نصب هرگونه آگهی در محیط‌های اداری که مراجعین را از بیان نظر انتقادی منع کرده یا بترساند، اجتناب کنند.
۵. دستگاه‌های اجرایی موظفند هنگام ورود مراجعین، برگ نظرسنجی (به‌صورت فیزیکی یا الکترونیکی) در اختیار آنها قرار دهند و نظر ایشان را در خصوص نحوه گردش کار، تطبیق یا عدم تطبیق آن با اطلاعات اعلام شده قبلی و رفتار متصدیان انجام کار جویا شوند و نتایج آن را به‌طور منظم در اصلاح فرآیندها و تشویق و تنبیه کارکنان خود مورد استفاده قرار دهند.
۶. دستگاه‌های اجرایی می‌بایست حسب شرایط، نسبت به راه‌اندازی، استقرار و یا روزآمد کردن سیستم‌های ارتباط دوسویه نظیر صندوق پیشنهادهای و انتقادات، پست صوتی و درگاه (پرتال) سازمانی، به‌منظور ارایه شناسنامه خدمات و فعالیت‌ها و اخذ دیدگاه‌های مردم اقدام نمایند.
۱۰. ماده ۱۰. حق مصون بودن از شروط اجحاف‌آمیز در توافق‌ها، معاملات و قراردادهای اداری
۱. دستگاه‌های اجرایی باید از تحمیل قراردادهای اجحاف‌آمیز به مردم خودداری کنند. منظور از قرارداد اجحاف‌آمیز قراردادی است که به‌موجب آن دستگاه اجرایی با استفاده از موقعیت برتر خود یا ضعف طرف مقابل، شرایط غیرعادلانه‌ای را به ایشان تحمیل کند.
۲. قراردادهایی که شروط زیر در آنها گنجانده شوند، اجحاف‌آمیز تلقی می‌گردند:
- الف. شرطی که به‌موجب آن، دستگاه اجرایی طرف مقابل خود را به انجام یا عدم انجام کاری متعهد می‌سازد که پیش از انعقاد قرارداد هیچ فرصتی برای آگاه شدن از مفاد آن شرط نداشته است.
- ب. شرطی از سوی دستگاه اجرایی که طرف مقابل آن به دلیل کهولت سن، بیماری، ناتوانی ذهنی، فشارهای روانی، کم‌سوادی، بی‌سوادی یا جهل نسبت به امور مرتبط، از ارزیابی مفاد یا آثار آن ناتوان باشد.
- ج. شرطی که به‌موجب آن، هیچ نسخه‌ای از قرارداد در اختیار طرف دیگر قرارداد قرار نمی‌گیرد.
- د. شرطی که به‌موجب آن، دستگاه اجرایی خود را مجاز می‌سازد تا

باشد. در زمان تحویل کالا یا ارائه خدماتی که قرارداد آن قبلاً منعقد شده است، به تشخیص خود و رأساً قیمت را افزایش دهد.

هـ. شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی، حق مراجعه به مراجع قضایی را از طرف دیگر سلب نماید. و شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی خود را مجاز بداند هر زمان که بخواهد یک طرفه قرارداد را فسخ کند بدون آنکه خسارت عادلانه‌ای از این بابت به طرف دیگر قرارداد بپردازد.

ز. شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی خود را حتی در صورت ارتکاب تقصیر، از مسؤولیت معاف سازد.

ک. شرطی که به موجب آن، حقوق معنوی ناشی از مالکیت‌های فکری، بدون پرداخت بهای عادلانه به دستگاه اجرایی منتقل شود.

ل. شرطی که بدون وجود هر گونه توجیه معقول، استفاده طرف قرارداد از تضمین یا بیمه‌ای که به موجب مقررات به نفع او برقرار شده است را غیرممکن یا بسیار دشوار سازد.

ث. واحدهای حقوقی، امور قراردادها و یا عناوین مشابه در دستگاه‌های مشمول این مصوبه مکلفند بر اساس مفاد این ماده نسبت به بازبینی و اصلاح فرم قراردادهای خود اقدام نمایند.

ماده ۱۱. حق اشخاص توان‌خواه در برخورداری از امتیازات خاص قانونی

۱. دستگاه‌های اجرایی مکلفند مطابق مفاد آیین‌نامه اجرایی ماده (۲) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (شماره ۱۴۲۷/ت ۳۱۹۶۰ هـ مورخ ۱۳۸۴/۳/۹ و اصلاحیه آن به شماره ۴۵۵۱۵/ت ۴۷۴۵۷ ک مورخ ۱۳۹۱/۱/۳۱)، به سرعت دسترسی اشخاص توان‌خواه (معلول) به محیط‌های آرایه خدمت را از جمیع جهات تسهیل کنند.

۲. دستگاه‌های اجرایی باید در ساختمان‌ها و محیط کاری خود، علایم و اشکالی را که برای اشخاص توان‌خواه به آسانی قابل فهم و خواندن باشد نصب کنند.

۳. دستگاه‌های اجرایی باید حسب میزان و نوع مراجعات اشخاص توان‌خواه، آموزش‌های کافی را به کارکنان خود در خصوص نحوه رفتار با این مراجعه‌کنندگان آرایه دهند.

۴. دستگاه‌های اجرایی باید سامانه‌ها و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات خود را جهت استفاده مستقلانه اشخاص توان‌خواه از خدمات آنها ارتقاء دهند.

ماده ۱۲. حق رسیدگی به موقع و منصفانه به شکایات و اعتراضات مردم حق دارند در تمامی مراجع اداری که به اختلاف، اعتراض یا شکایت آنها رسیدگی می‌کنند از رسیدگی منصفانه و بی‌طرفانه برخوردار شده و حقوق آنها رعایت شود.

۲. هر فردی در همه مراحل رسیدگی اداری حق استفاده از وکیل را دارد و باید از مهلت کافی جهت تنظیم و تکمیل پرونده، آرایه ادله، معرفی شهود یا پاسخ به مطالب مطرح شده علیه خود برخوردار

۳. شخصی که در چارچوب قوانین و مقررات و بدون استفاده از الفاظ توهین‌آمیز، از تصمیمات و اقدامات دستگاه اجرایی یا فرد مسؤول در سطح رسانه‌ها انتقاد می‌کند، نباید به دلیل این انتقاد، با تعقیب یا پیامد اداری یا قضایی از سوی مسؤولین دستگاه مواجه شود.

۴. در صورت بروز اختلاف بین مراجعان و متصدیان آرایه خدمت، مسؤول واحد ذی‌ربط باید بلافاصله به موضوع رسیدگی و آن را در چارچوب مقررات و با رعایت اخلاق اسلامی حل و فصل نماید.

۵. اعتراض شخصی که مدعی است در حق او ظلم شده، باید توسط مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی با مدارا و اخلاق اسلامی، تحمل و با سعه‌صدر پاسخ داده شود.

ماده ۱۳. حق جبران خسارات وارده در اثر قصور یا تقصیر دستگاه‌های اجرایی و کارکنان آنها.

۱. دستگاه‌های اجرایی مکلفند حسب وظایف قانونی خود، در صورت وجود احتمال هرگونه تهدید علیه سلامت عمومی و یا بلایای طبیعی، نسبت به پیش‌بینی و هشدار به‌موقع و راه‌های دفع یا رفع آن به عموم مردم و به خصوص افراد در معرض تهدید، اقدام نمایند.

۲. دستگاه‌های اجرایی، مسؤول جبران خساراتی هستند که در نتیجه عیب و خرابی اشیاء یا اموال منقول یا غیرمنقول متعلق یا تحت تصرف آنها، به جان، مال و سایر حقوق دیگران وارد می‌شود.

۳. مطابق فصل دهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی»، دستگاه‌های اجرایی مسؤول جبران آن دسته از خسارات مادی، معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آنها در نتیجه بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت قوانین، مقررات یا نظامات مربوط، در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به دیگران وارد یا در نتیجه نقص یا کمبود غیرمتعارف امکانات و وسایل، به اشخاص وارد می‌شود.

۴. دستگاه‌های اجرایی باید در حفاظت از اشیاء، اموال، اسناد، مدارک و اطلاعاتی که در جهت انجام مأموریت‌های خود از مردم دریافت می‌کنند، تدابیر و احتیاط‌های متعارف را به عمل آورند.

فصل چهارم - انتظارات از شهروندان برای رعایت حقوق دیگر شهروندان در نظام اداری

ماده ۱۴. از شهروندان انتظار می‌رود به‌منظور احترام و رعایت حقوق سایر افراد در مراجعه به دستگاه‌های اجرایی، نکات ذیل را مورد توجه قرار دهند:

۱. به‌منظور رعایت حقوق سایر شهروندان و مساعدت در تأمین بهتر حقوق خود، همکاری لازم را در رعایت نظم و نوبت، آرایه مدارک هویتی برای ورود و خروج، آرایه اطلاعات و مدارک صحیح، به‌موقع

و کامل برای تسریع در ارایه خدمت داشته باشند.

۲. تصمیمات و اقدامات اداری مادام که نقض نشده‌اند، محترم شمرده شده و رعایت شوند و اعتراض به تصمیمات و اقدامات و درخواست تجدیدنظر در آن‌ها با طرق پیش‌بینی شده در قوانین و توسل به مراجع قانونی صورت گیرد.

۳. خدمات و درخواست‌های اداری تنها در محیط اداری مطالبه شده و از درخواست خدمت توسط کارکنان در خارج از محیط اداره اجتناب شود.

۴. به‌منظور مساعدت برای تأمین حقوق شهروندان در نظام اداری؛ کلیه آحاد جامعه در صورت مشاهده یا اطلاع از تخلفات اداری و نقض قوانین و مقررات در دستگاه‌های اجرایی، لازم است مشاهده یا اطلاع خود را به مراجع ذی‌ربط گزارش کنند.

۵. شایسته است جهت تسریع در رسیدگی، موارد مربوط به تخلفات اداری و نقض قوانین و مقررات، ابتدا به مراجع نظارتی درون‌سازمانی هر دستگاه گزارش و در صورت عدم دریافت پاسخ قانع‌کننده، به مراجع نظارتی برون‌سازمانی ارایه شود.

تبصره - عدم ترجیح شهروندان به یکدیگر توسط مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی در مراحل رسیدگی، الزامی است.

فصل پنجم - سازوکار اجرایی حقوق شهروندی در نظام اداری

ماده ۱۵. قلمرو شمول مصوبه تمامی دستگاه‌های اجرایی موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون برگزاری مناقصات مصوب سال ۱۳۸۳ و دستگاه‌های موضوع تبصره ذیل آن و نیز سایر دستگاه‌هایی که به‌نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند، مشمول این مصوبه بوده و در این تصویب‌نامه، «دستگاه اجرایی» نامیده می‌شوند.

تبصره - دستگاه‌های اجرایی موظفند در چارچوب وظایف نظارتی خود بر مراکز ارایه‌دهنده خدمات عمومی، مؤسسات خصوصی حرفه‌ای عهده‌دار ارایه خدمات، نهادهای صنفی و هر نوع مراکز یا مؤسساتی که با اخذ مجوز از دستگاه‌های اجرایی، به ارایه خدمت به مردم می‌پردازند، رعایت تمام یا بخش‌های مرتبط این مصوبه را از سوی آن‌ها الزامی و بر این امر نظارت کنند.

ماده ۱۶. مسؤولیت و فرآیند اجرا

۱. بالاترین مقام دستگاه اجرایی، مسؤول اجرای این مصوبه بوده و مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی مشمول در تمامی سطوح سازمانی، مکلف به رعایت مفاد آن هستند؛ همچنین مدیران موظفند متناسب با اختیارات، مأموریت‌ها و وظایف محوله، در جهت حسن اجرای این مصوبه، رفع موانع و همچنین ارزیابی نحوه اجرای آن، اقدامات لازم اعم از برنامه‌ریزی، سازماندهی، بهبود روش‌ها، آموزش کارکنان و تجهیز واحدهای مدیریت عملکرد، بازرسی و

رسیدگی به شکایات (یا عناوین مشابه) را مطابق با دستورالعمل‌های ابلاغی سازمان اداری و استخدامی کشور، از جمله دستورالعمل اصلاح فرآیندها و روش‌های انجام کار، دستورالعمل استاندارد تارنماهای دستگاه‌های اجرایی و درگاه‌های استانی، آیین‌نامه اجرایی تبصره (۱) ماده (۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر موارد ابلاغی، انجام دهند.

۲. دستگاه‌های اجرایی مکلفند با اهتمام و اقدام سریع در جهت توسعه دولت الکترونیک، نیاز به مراجعه حضوری مردم را به حداقل برسانند.

ماده ۱۷. ایجاد میز خدمت

۱. در آن دسته از دستگاه‌های اجرایی که به‌طور متعارف مراجعین زیادی دارند؛ لازم است علاوه بر رعایت مفاد این مصوبه، واحد هماهنگ‌کننده‌ای تحت عنوان «میز خدمت» با حضور کارشناسان مطلع دستگاه، با اعطای اختیارات لازم تعبیه شود، به‌نحوی که مراجعین ضمن استقرار در محل انتظار مناسب، حتی‌المقدور بدون حضور در واحدهای داخلی دستگاه، خدمت یا پاسخ مورد نیاز خود را صرفاً از طریق این میز دریافت نمایند. «میز خدمت» عهده‌دار وظایف مشروح زیر می‌باشد:

الف. ارایه اطلاعات و راهنمایی‌های لازم به مراجعین در ارتباط با امور مربوط.

ب. دریافت مدارک و درخواست‌های مراجعین.

ج. انجام امور و درخواست‌های متقاضیان در صورت امکان و در غیراین صورت، اعلام تاریخ مراجعه بعدی یا زمان ارایه خدمت نهایی به مراجعین.

د. دریافت نتایج اقدامات انجام شده از واحدهای ذی‌ربط و اعلام آن به مراجعین.

هـ. هدایت مراجعین به واحدهای مرتبط در موارد ضروری پس از انجام هماهنگی با واحد ذی‌ربط.

۲. واحدهای مدیریت عملکرد، بازرسی و رسیدگی به شکایات یا عناوین مشابه در دستگاه‌های اجرایی موظفند هر سه ماه یک بار گزارشی از عملکرد «میز خدمت» را به بالاترین مقام دستگاه ارایه دهند.

ماده ۱۸. مسؤولیت راهبری و نظارت

۱. مسؤولیت هدایت، راهبری، پیگیری و نظارت بر اجرای این مصوبه در سطح ملی به‌عهده سازمان اداری و استخدامی کشور و در سطح استان به‌عهده استاندار است.

۲. نظارت نظام‌یافته بر حسن اجرای این مصوبه و ارتقای مستمر حمایت از حقوق مردم در نظام اداری، تهیه و ابلاغ شیوه‌نامه‌های اجرایی و همچنین تدوین برنامه‌های اطلاع‌رسانی، آموزش و فرهنگ‌سازی برعهده سازمان اداری و استخدامی کشور است

منابع و مآخذ

- و سازمان می‌تواند کارگروه‌های ضروری را با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی و همچنین تشکل‌های مردم‌نهاد قانونی تشکیل دهد. همچنین سازمان با اعزام بازرسان و گروه‌های بازرسی مطلع و مجرب، بر حسن اجرای این مصوبه در دستگاه‌های مشمول نظارت خواهد کرد.
۳. وزارت کشور موظف است با همکاری سازمان اداری و استخدامی کشور زمینه شکل‌گیری تشکل‌های مردم‌نهاد در امر مراقبت از حقوق شهروندان در نظام اداری را فراهم نماید، به گونه‌ای که این تشکل‌ها بتوانند در چارچوب موازین قانونی برای تأمین حقوق شهروندان در نظام اداری، ایفای نقش نمایند.
۴. بالاترین مقام دستگاه‌های اجرایی مشمول و استانداران موظفند گزارش‌های تحلیلی نحوه اجرای مصوبه را به صورت دوره‌ای تهیه و به سازمان اداری و استخدامی کشور ارسال نمایند.
۵. پس از دریافت و جمع‌بندی گزارش‌های دستگاهی و استانی، گزارش تحلیلی - تفصیلی نحوه اجرای مصوبه در سطح ملی به صورت سالانه، توسط رییس سازمان اداری و استخدامی کشور به رییس‌جمهور، شورای عالی اداری و هیأت‌وزیران ارایه خواهد شد.
۶. سازمان اداری و استخدامی کشور موظف است با همکاری مرکز آمار ایران سالیانه نسبت به اجرای طرح افکارسنجی و سنجش میزان رضایت مردم از عملکرد دستگاه‌های اجرایی در سطوح ملی و استانی اقدام و نتایج به دست آمده را به تفکیک دستگاه‌ها و استان‌ها به هیأت‌وزیران ارایه نماید.
- ماده ۱۹. ضمانت اجرا نقض یا عدم رعایت حقوق و الزامات مندرج در این مصوبه و دستورالعمل‌های آن؛ در چارچوب ماده (۲۰) آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان، حسب مورد از مصادیق بندهای ماده (۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان محسوب می‌شود و شکایات واصله از مردم یا دستگاه‌های نظارتی، ضمن بررسی و تطبیق با مقررات توسط واحدهای ذی‌ربط، برای احقاق حقوق آنان از منظر تخلفات مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی، در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری مربوط مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت.
- تبصره ۱- در مورد مراکز و مؤسسات کارگزاری موضوع تبصره ذیل ماده (۱۵) این تصویب‌نامه مطابق مقررات و ضوابط اعطای مجوز مربوطه اقدام خواهد شد.
- تبصره ۲- اجرای این ماده نافی حقوق قانونی مردم برای مراجعه و طرح شکایات احتمالی در سایر مراجع قانونی و قضایی نمی‌باشد. (درگاه اینترنتی شناسنامه قانون)
۱. ابنتراب، مریم، «حقوق شهروندی از منظر امام علی (ع)»، ندای صادق، شماره ۴۱ و ۴۲، ۱۳۸۵.
۲. احمدی طباطبایی، سیدمحمد رضا، حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه خط اول، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۸، ۱۳۸۸.
۳. اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه، مجموعه مقالات همایش علمی پژوهشی حقوق شهروندی، مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۸۶.
۴. افلاطون، جمهوری، ترجمه فواد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵.
۵. بنی اسدی، علی‌اکبر، بررسی اثرات اجرای آموزش مهارت‌های شهروندی بر ارتقای معلومات حقوق شهروندی و رفتار زندگی جمعی کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۵.
۶. پورتال شهرداری تهران، www.tehran.ir، ۱۳۹۹/۰۸/۲۰.
۷. تقی‌پور، سیروس، حقوق شهروندی و قوه قضائیه ایران، ماهنامه دادرسی، سال ۱۵، شماره ۸۹، ۱۳۹۰.
۸. خسروی، حسن، حقوق شهروندی، ۱۳۹۸.
۹. درگاه اینترنتی شناسنامه قانون، به نشانی: shenasname.ir
۱۰. رضایی‌پور، آرزو، حقوق شهروندی، تهران: نشر آریان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۱. سلطانی، سیدناصر، حقوق اجتماعی یا حقوق شهروندی، نمونه‌ای از آشفستگی مفاهیم در نظام حقوقی ایران، مجلس و پژوهش، شماره ۵۱، ۱۳۸۵.
۱۲. طاهری، محمد، نقد و بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به منشور حقوق شهروندی، همایش ملی تبیین حقوق شهروندی، دوره ۲، ۱۳۹۵.
۱۳. علیدوستی، ناصر، پلیس و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۴، ص ۱۳۸۸.
۱۴. فغان‌نژاد، سعدالله و نوری، محمد، «بررسی حقوق شهروندی در وضعیت بحران (مطالعه‌ی تطبیقی حقوق ایران، فرانسه و آمریکا)»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت بحران، شماره اول - بهار و تابستان، ۱۳۹۱.
۱۵. فلاح‌زاده، محمد، نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر، مجله حقوقی، شماره ۵۸، ۱۳۸۶.
۱۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۷/۰۱/۱۰.
۱۷. کلی کیت، اس، پیس، حقوق بشر و سازمان‌های بین‌المللی، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۳، ۱۳۸۱.